

بررسی موازین جرم تروریسم

در اسناد بین‌المللی و حقوق ایران*

- محمدرضا کیخا^۱
- علی امیر محمدی^۲
- فاطمه امیر محمدی^۳

چکیده

هدف اصلی تحقیق حاضر، بررسی موازین جرم تروریسم در اسناد بین‌المللی و حقوق ایران است. این تحقیق با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی با گردآوری مطالب از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی به بررسی موضوع پرداخته است. علیرغم گستردگی و ویژگی‌هایی که پدیده تروریسم پیدا کرده است، تنها چند دهه است که به یکی از مباحث بحث‌برانگیز بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی، تبدیل شده است. به رغم اینکه امروزه، همه کشورهای یک صدا تروریسم را محکوم می‌کنند، متأسفانه بحث تروریسم بیشتر جنبه سیاسی به خود گرفته است تا جنبه حقوقی. در حقوق کیفری ایران، عنوان مجرمانه مستقلی برای تروریسم پیش‌بینی نشده

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۹.

۱. دکتری تخصصی رشته الهیات، فقه و مبانی حقوق اسلامی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان.

kaykha@hamoon.usb.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری الهیات، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان (نویسنده مسئول).
samandari6@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری الهیات، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس.
samandari6@gmail.com

است. جرم بغی نیز، از این قاعده مستثنی نیست. برخی از حقوق‌دانان، بغی را جرم سیاسی دانسته‌اند؛ اما یکی از مهم‌ترین جرایم علیه امنیت جامعه، که با واکنش کیفری شدیدی در دین اسلام همراه است، جرم محاربه و افساد فی الارض است. ایران در طول تاریخ، خصوصاً بعد از انقلاب اسلامی، هدف بسیاری از جرائم تروریستی بوده است؛ اما هیچ‌گاه در قوانین ایران با این پدیده شوم، برخورد جدی به عمل نیامده است. با توجه به اینکه در حال حاضر، سیزده سند بین‌المللی در مورد مبارزه با تروریسم به تصویب رسیده است، ایران فقط به شش سند از این اسناد ملحق شده است. جمهوری اسلامی ایران، باید قانون جامعی در مورد این پدیده شوم که بیشتر به نسل‌کشی انسان‌ها می‌انجامد را تصویب کند. شاید یکی از دلایلی که ایران جز اولین و بزرگترین قربانیان تروریسم است، نبود قانون جامعی در مورد تروریسم باشد.

واژگان کلیدی: تروریسم، حقوق، ایران، اسناد بین‌المللی

مقدمه

تروریسم، مهم‌ترین و اساسی‌ترین چالش امنیتی دنیای جهانی شده ما در قرن بیست و یک است. آن چیزی که تروریسم را به عنوان یک تهدید جدی مطرح می‌سازد، میزان تخریب، ارباب یا مسائل دیگر تروریسم نیست؛ بلکه نحوه پاسخگویی و واکنش به تروریسم به عنوان یک تهدید مطرح می‌باشد. عدم تناسب و مطابقت استراتژی‌های طراحی شده نظامی برای مقابله و پاسخگویی به تروریسم در این جایگاه، بسیار اساسی و حیاتی است. براین اساس، اگر انطباق و سازگاری میان چالش و واکنش وجود نداشته باشد، فروپاشی تمدن از سوی تروریست‌ها حتمی و قطعی است و این مهم، ضرورت تدوین استراتژی جهانی مناسب و متناسب با توانایی و میزان اراده و انگیزه دولت‌ها و تروریست‌ها را توأمان مضاعف می‌نماید. با وجود تصویب کنوانسیون‌های متعدد تنبیهی و پیشگیرانه بین‌المللی در مقابله با تروریسم از سوی شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد، وضعیت ناموفق کنونی مبارزه با تروریسم، بیانگر این واقعیت است که چارچوب سیاسی - حقوقی مبارزه با تروریسم، ناکارآمد بوده است. با گسترش روزافزون اقدامات تروریستی، مذاکرات حقوقی بسیاری از قبیل بررسی دقیق سازوکارهای حقوقی موجود در حقوق بین‌الملل کیفری برای واکنش به چنین اقداماتی

صورت گرفته است. در این رهگذر، سازمانهای بین‌المللی نیز سعی نموده‌اند که با اتخاذ تدابیر و ارائه راهکارهایی، تروریسم بین‌المللی را سرکوب نمایند. حاصل تلاش نهادهای مذکور تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی متعددی در این خصوص بوده است؛ اما عدم دستیابی به تعریف شفاف و قابل‌قبولی از تروریسم بین‌المللی، نه تنها تلاش‌های جامعه جهانی را در مقابله با تروریسم عقیم ساخته، بلکه موجب شده است که بسیاری از کشورها از عدم توافق بر سر مفهوم تروریسم سوء استفاده کنند و از آن به مثابه ابزاری برای نیل به اهداف خود استفاده نمایند (صادقی حقیقی، ۱۳۸۱).

به علت فقدان موافقت‌نامه‌ای بین‌المللی راجع به چارچوب قانونی جنگ علیه تروریسم بین‌الملل، اقدامات انجام گرفته بسیار گزینشی و جزئی بوده است. با وجود این، در پرتو اعلامیه راجع به اقدامات امحای تروریسم بین‌المللی و اعلامیه‌های لیما و پاریس، این امر امکان‌پذیر گشته است که مسأله تروریسم بین‌المللی از تمامی جهات و تجلیات و با تمام ویژگی‌ها و خصایص آن، مورد توجه قرار گیرد و باید، هر دلیل توجیه‌کننده تروریسم به کنار نهاده شود و یک چارچوب حقوقی جامع برای جنگ علیه تروریسم بین‌المللی در تمام جنبه‌های آن، هدفی است که ملت‌ها باید با هم به سوی آن گام بردارند. سازمان ملل متحد، نقطه محوری غیرقابل‌انکاری برای تمهید این رویکرد جهانی است. همان‌گونه که در بستر اقدامات ضد تروریستی چند سال گذشته نشان داده شده، این سازمان در ایجاد وفاق جهانی و تجهیز اقدام جهانی علیه تروریسم سهم به‌سزایی داشته، کما این که درباره سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک چنین کرده است. با سیاست‌ها و برنامه‌های مورد بحث در سازمان ملل متحد و از طریق تصمیمات مجمع عمومی است که دولت‌ها می‌توانند اسناد مبارزه با تروریسم را به عنوان تهدیدی جهانی توسعه بخشند (زمانی، ۱۳۸۹).

در حقوق کیفری ایران، عنوان مجرمانه مستقلی برای تروریسم پیش‌بینی نشده است. پس از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر آمریکا و صدور قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت، دولت ایران پیش‌نویس لایحه «مبارزه با تروریسم» را در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۱۵ به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد؛ اما نکته اینجاست که این لایحه از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۹ مسکوت ماند تا اینکه لایحه یک فوریتی مبارزه با تروریسم، تدوین شده توسط

معاونت حقوقی قوه قضاییه، در ۲۹ تیرماه ۱۳۸۹ توسط دولت به مجلس ارائه و در آخرین روزهای سال ۱۳۹۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. بر اساس این لایحه، جلب کمک‌های مالی و پولی، اعانه، انتقال پول، خرید و فروش اوراق مالی و اعتباری، افتتاح مستقیم یا غیر مستقیم حساب یا انجام هرگونه فعالیت اقتصادی اشخاص جهت ارائه به افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی از جمله مصادیق تأمین مالی تروریسم به شمار می‌رود. در این لایحه، همچنین مقرر شده است که کشور ایران مطابق تعهدات بین‌المللی خود می‌تواند برای اجرای قانون «مبارزه با تأمین مالی تروریسم» با دیگر کشورها همکاری داشته باشد. مصوبه مزبور به دلیل ایراد شکلی، از سوی شورای نگهبان به مجلس عودت داده شد. ایراد شکلی این بود که این لایحه قانونی، ماهیت جرم‌انگارانه دارد و به استناد اصل ۱۵۸ قانون اساسی، باید توسط قوه قضائیه تهیه، بررسی و پیشنهاد شود. بر همین اساس، پس از یک دور رفت و برگشت مجدد فیما بین قوه قضائیه، مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، بالاخره منویات این شورا تحقق یافت و لایحه مزبور در مهرماه سال ۱۳۹۴ از سوی رئیس قوه قضائیه به دولت تقدیم شد و دولت هم ظرف کمتر از یک هفته آن را تصویب و تقدیم مجلس شورای اسلامی کرد. در نهایت، دستاورد همه این تلاش‌ها در تصویب لایحه مزبور، در روز یکشنبه مورخ ۲۰ دی ۱۳۹۴ متبلور شد.

ممکن است با وجود عنوان مجرمانه «محرابه» و عناوین مشابه در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین متفرقه تصور شود خلأ قانونی در این زمینه وجود ندارد. از جمله، قانون مجازات اخلاص‌کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۴، قانون راجع به مجازات اخلاص‌گران در صنایع نفت ایران مصوب ۱۳۳۶، قانون مجازات اخلاص‌کنندگان در تأسیسات آب و برق و گاز و مخابرات کشور مصوب ۱۳۵۱/۱۰/۱۲، قانون مجازات اخلاص‌گران در صنایع مصوب ۱۳۵۳/۲/۲. هر چند محاربه، به عنوان مصداقی از عملیات تروریستی مورد حکم قانونگذار قرار گرفته است؛ اما در مورد رویکرد قوانین جزایی ایران نسبت به پدیده تروریسم باید بیان داشت که تا قبل از لازم الاجرا شدن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نسبت به این موضوع، موضع صریح و عنوان مجرمانه مشخصی وجود نداشت؛

بلکه غالباً دادرها در هنگام مواجه شدن با پرونده‌های تروریسم، جهت تفهیم اتهام به مرتکبان با توجه به نوع عملیات تروریستی آنها، از عناوینی همچون قتل عمد، مُحاربه، تخریب و احراق به قصد برهم زدن امنیت کشور و... استفاده می‌کردند. محاکم کیفری نیز روند محاکمه و تعیین مجازات برای متهمان تروریسم را براساس همین عناوین ادامه می‌دادند. لذا قانونگذار، با توجه به نقص موجود و جهت برطرف شدن آن، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ بدون اشاره صریح به عنوان تروریسم، برخی از مصادیق بارز و آشکار عملیات تروریستی را در ماده ۲۸۶ مورد اشاره قرار داده و برای آنها مجازات در نظر گرفته است؛ اما تنوع و پیچیدگی اعمال تروریستی، سازمان‌یافتگی و فراملی شدن آن، ضرورت بازنگری و جرم‌انگاری تروریسم را آشکار می‌سازد و مقنن باید با درک این مهم، قوانین کارآمد در این زمینه تصویب کند؛ لذا در این پژوهش، به بررسی تطبیقی موازین جرم تروریسم در اسناد بین‌المللی و حقوق ایران پرداخته می‌شود.

اگرچه دولت‌ها و سازمان ملل متحد برای مقابله با تروریسم کنوانسیون‌های متعددی تصویب کرده‌اند، اما حق این است که به موازات پیشرفت تروریست‌ها و تبدیل شدن آنان به بازیگران بین‌المللی و فعالیت در قالب سازمان‌ها و مجموعه‌های هماهنگ، جامعه بین‌المللی باید اقدامات ضد تروریستی مؤثری را توسعه دهد که تجلیات هر چه پیچیده‌تر و جهانی تهدیدهای تروریستی را مورد توجه قرار دهد. به نظر نمی‌رسد اقدامات یک‌جانبه یا حتی دوجانبه، برای مقابله با تهدیدی که جهانی است کافی باشد. برای محدود ساختن تروریست‌های بین‌المللی، همکاری و هماهنگی بین‌المللی ضروری است. اگر همچون رزالین هیگینز^۱ قاضی معروف دیوان دادگستری بین‌المللی «تروریسم را چالشی برای حقوق بین‌الملل معاصر» (هیگینز و فلاری^۲، ۱۹۹۹) بدانیم، برای مواجهه با آن باید از ابزارهای مختلف حقوقی و سیاسی، هم‌چون اجرای قانون و دیپلماسی مذاکره بهره‌مند گردیم.

جمهوری اسلامی ایران، یکی از کشورهای است که پدیده تروریسم با امنیت ملی

1. Rosalyn Higgins.

2. Flory.

آن پیوند خورده و به شکل دوگانه‌ای از تروریسم آسیب دیده است. ایران از سویی، جزء اصلی‌ترین قربانیان تروریسم در تاریخ استقلال خود به شمار می‌رود و از سویی دیگر، در مواجهه با اتهام حمایت از تروریسم، بهای استقلال خود را می‌پردازد. در چنین شرایطی، بدیهی است که دولت ایران بیش از هر دولتی از مبارزه و مقابله با تروریسم، به معنی عام کلمه، سود می‌برد و در راستای اهداف و سیاست‌های بشردوستانه خود در پرتو آموزه‌های اسلامی و انسانی، در رابطه با تروریسم و سازوکارهای مقابله با آن درصدد تعبیه سازوکارهای داخلی و همراهی با سازوکارهای بین‌المللی مقابله با تروریسم است؛ لذا ضرورت دارد به بررسی قوانین مربوط به این جرم، بیش از پیش پرداخته شود.

تعریف واژگان کلیدی

۱. تروریسم

تروریسم، یعنی شیوه ایجاد وحشت توسط اقدام خشونت‌آمیز و مکرر توسط افراد، گروه‌ها و یا بازیگران دولتی مخفی و یا نیمه مخفی بنا به دلایل سیاسی، جنایی و غیرعادی در جایی که اهداف مستقیم، اهداف اصلی نیستند. (معصومی، ۱۳۹۲، ۸).

۲. اسناد بین‌المللی

اسنادی که از سوی مقامات رسمی دولت‌ها و سازمانهای بین‌المللی در سطح بین‌المللی مورد تصویب قرار می‌گیرند، اسناد بین‌المللی نامیده می‌شوند (کانده و ویکتور^۱، ۲۰۰۲، ۱۲۷).

روش پژوهش

روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی با استفاده از منابع مختلف اعم از کتب، مجلات، مقالات، منابع اینترنتی و... خواهد بود. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت توصیفی - تحلیلی خواهد بود.

1. Conde Victor.

الف. پیشینه تحقیقات انجام شده پیرامون موضوع تحقیق

- داوود آقایی خواجه‌پاشا (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر راهکارهای سیاسی - حقوقی مقابله با تروریسم بین‌الملل» به بررسی موضوع مذکور پرداخته است. در این پژوهش استدلال می‌شود که تدوین هرگونه راهبرد منسجم سیاسی حقوقی مبارزه با تروریسم بین‌الملل، مستلزم اجماع دولت‌ها و در نظر گرفتن خواسته‌های جمعی ملت‌ها است. بنابراین، هدف اصلی این تحقیق، تحلیل و تبیین علمی و دقیق راهکارهای پیشنهادی سیاسی - حقوقی مقابله با تروریسم بین‌الملل به‌مثابه یک تهدید جهانی است. در این راستا، تحلیل و استدلال می‌شود که موفقیت هرگونه راهبرد جهانی پیشگیرانه و تنبیهی علیه تروریسم، مشروط به کاربست نظری و عملی پیش شرط‌های متعددی از جمله تقدم شناخت علمی تروریسم بر مقابله با معلول تروریسم می‌باشد.

- مجید معصومی (۱۳۹۲)، در کتابی با عنوان «تروریسم استراتژیک توسعه سیاسی امنیت ملی» تروریسم را این چنین تعریف کردند که: تروریسم، یعنی شیوه ایجاد وحشت توسط اقدام خشونت‌آمیز و مکرر توسط افراد، گروه‌ها و یا بازیگران دولتی مخفی و یا نیمه‌مخفی بنا به دلایل سیاسی، جنایی و غیر عادی در جایی که اهداف مستقیم، اهداف اصلی نیستند. قربانیان انسانی چنین خشونت‌ها، اغلب به‌شکل تصادفی یا گزینشی از میان جمعیت هدف انتخاب می‌گردند و به عنوان مولدهای پیام‌رسانی عمل می‌کنند. ارتباط مبتنی بر تهدید و خشونت میان تروریستها و قربانیان و اهداف اصلی، اصولاً با هدف فریفتن افکار عمومی و مخاطبان می‌باشد و برای تبدیل آن به هدف مورد توجه خواسته شده و هدف وحشت و تبلیغی که از آغاز برای آن در نظر گرفته شده است، به کار می‌رود.

- حمیدرضا اسماعیلی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تئوریک زمینه‌ها و ریشه‌های تروریسم در ایران» برخی نگرش‌های مطرح درباره‌ی تروریسم را مورد بررسی قرار داده و در نهایت، تلاش شده نگاه جدیدی ارائه شود. برای تبیین این موضوع، پرسش اصلی این است که: چرا برخی گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی به جای اتخاذ روش‌های مسالمت‌آمیز به روش‌های خشونت‌آمیز روی می‌آورند؟ در این گفتار، در مجموع دوازده نگرش، اعم از نظریه و رهیافت مطرح شده است که نگرش آخر،

نگاهی نو به مسأله تروریسم (به ویژه در ایران) دارد. تروریسم، گرچه پس از انقلاب و در آغاز آن بسیار شدت یافت، اما در واقع، ریشه‌های آن به پیش از انقلاب و مسائل فرهنگی و اجتماعی و سیاسی آن دوران باز می‌گردد. در این دوران، طبقه‌ای جدید با ماهیت سکولاریستی شکل گرفت که با «بحران هویت» مواجه بود و سعی داشت با پیوستن به سازمان‌های سیاسی‌ای از این دست، راه حلی برای مشکلات خود بیابد. در واقع رادیکالیسم، موجب تقویت این هویت جمعی می‌شد. از سوی دیگر، فرهنگ سیاسی منازعه‌جویی که ریشه در نظام سیاسی استبدادی داشت نیز، در ابتدای انقلاب باز تولید شد. به عبارت دیگر، تا نظام سیاسی مردم‌سالار و انتخاباتی بتواند فرهنگ سیاسی مشارکت‌جویی خود را نهادینه کند، دست کم نیاز به سال‌ها تجربه داشت. با وجود این علل درونی تروریسم، از علت بیرونی نیز نباید غافل شد. علت بیرونی، عبارت است از: رسوخ باور به برخی روش‌های مبارزه مسلحانه که در دهه ۱۳۵۰ در نقاط مختلف جهان رواج داشت.

- وینچنزو روجیرو^۱ (۲۰۰۶)، کتاب «فهم جنایت سیاسی، تحلیل جرم‌شناسانه»^۲ را منتشر کرد. در این کتاب، نویسنده به بررسی و شناخت اعضای گروه‌های تروریستی علی‌الخصوص القاعده طالبان به لحاظ سطح تحصیلات، وضعیت اجتماعی، وضعیت اقتصادی، گرایش‌های سیاسی و تخصص و به طور کلی، خصوصیات فردی آن‌ها پرداخته است و ضمن کندوکاو در سوابق اعضای این گروه‌ها، به تشریح نحوه عملیات و بررسی انگیزه‌های آن‌ها پرداخته است. همچنین در این کتاب، انواع تئوری‌های مربوط به بروز خشونت‌های سیاسی که از سوی هابز، روسو، منتسکیو و ژان لاک ارائه شده، مطالعه گردیده و توجیحات و توضیحات این تئوری‌ها را در خصوص بروز خشونت‌های سیاسی مورد بررسی و چالش‌هایی قرار داده و بیان نموده است که در بسیاری از مواقع، این تئوری‌ها بنا به دلایل مختلف از ارائه دلیل منطقی در خصوص بروز خشونت عاجز مانده‌اند.

1. Vincenzo Ruggiero.

2. Understanding Political Violence: A Criminological Analysis.

ب. گونه‌های تروریسم

۱. انواع تروریسم از نظر هدف

الف. تروریسم سیاسی: وقتی به تأثیرگذاری بر تحولات اجتماعی سیاسی به شکل مسالمت‌آمیز، امیدی نباشد و فعالیت‌های سیاسی به صورت خشونت، خود را نشان دهد، این نوع خشونت، تروریسم سیاسی نامیده می‌شود و عمدتاً از سوی گروه‌های کوچکی بکار می‌رود که فاقد قدرت هستند. در جوامعی که نظام‌های سیاسی، استبدادی هستند، استفاده از این نوع تروریسم بیشترین کاربرد و تأثیرگذاری را دارد (کوشکی، ۱۳۸۷، ۷۶).

ب. تروریسم ایدئولوژیکی: هرگاه عملیات تروریستی، به خاطر تغییر ساختار و نظام ایدئولوژیکی و مذهبی یک جامعه، توسط گروهی با عقیده و مذهبی دیگر انجام شود (شریف‌آبادی ترابی، ۱۳۸۹).

پ) تروریسم بین‌المللی: تروریسم در خارج از کشور. این اصطلاح در یکی از دو دهه اخیر رایج گشته و به اعمال تروریستی و خشونت‌آمیزی اطلاق می‌شود که به منظور تأمین مقاصد سیاسی در سطح بین‌المللی انجام می‌پذیرد. این گونه اقدامات توسط افراد یا گروه‌هایی که تحت کنترل یکی از دولت‌ها باشند، عملی می‌گردد. البته این اقدامات تحت پوشش دیپلماتیک صورت می‌گیرد و هدف آن از بین بردن مخالفان در دیگر کشورها است (نوام چامسکی^۱، ۲۰۰۳).

ت) تروریسم سیاه: این اصطلاح در مورد ترورهایی به کار گرفته می‌شود که معمولاً توسط دستگاه‌های اطلاعاتی و جاسوسی انجام می‌شود. به این معنی که مطابق قانون موجود در جامعه، این سازمان‌ها افرادی را مخل امنیت و آرامش جامعه تشخیص داده و سپس دستگیر می‌نمایند. از اینجا به بعد، با انجام عمل خودسرانه، شخص را تخلیه اطلاعاتی کرده و سپس با اعلام این که طبق حکم محکمه قانونی، او محکوم به اعدام شده، وی را از بین می‌برند (شریف‌آبادی ترابی، ۱۳۸۹).

ث) تروریسم کور: هدف از این تروریسم، یک سلسله عملیات برای تبلیغ و ایجاد

1. Noam Chomsky.

سر و صدای زیاد به نفع گروه یا جنبش اقدام کننده آن است. همچنین این نوع از تروریسم، در پی متمرکز ساختن افکار مردم به امری و جلب پشتیبانی عناصر مساعد و آماده می‌باشد. این عملیات دارای برنامه حساب شده‌ای نیست (شریف‌آبادی ترابی، ۱۳۸۹، ۲۴).

۲. انواع تروریسم از نظر عامل

الف. تروریسم فردی: تروریسمی که طی آن عملیات تروریستی توسط فردی صورت می‌گیرد که تعلق سازمانی با تشکیلات یا گروه‌های تروریستی ندارد و نام دیگر آن، تروریسم پایین و تروریسم سفید است (صفناج، ۱۳۸۳) که در آن فرد، بدون بهره‌مندی از هیچ‌گونه ارتباط سازمانی با یک گروه، تشکل یا حتی یک دولت خاص به آن مبادرت می‌ورزد. این تروریسم در واقع، عملیاتی است که توسط فرد یا افراد مشخصی انجام می‌گیرد و فاقد سازماندهی معین هدایت شده از سوی یک مجموعه سازمان یافته است. شخص، فاقد هرگونه ارتباط سازمانی بوده و تصمیم می‌گیرد با حذف شخصیتی سیاسی به هدف خود برسد یا اینکه از این طریق به یک برنامه گسترده اجتماعی دست بزند. این گونه اقدام‌ها معمولاً توسط طبقات پایین و فرودست جامعه صورت می‌گیرد و ظلم‌های اجتماعی و نابسامانی و بی‌عدالتی در رواج این تصمیمات تأثیرگذار است. این نوع ترور، با اینکه فردی است و بیانگر عصیان یک فرد بدون ارتباط سازمان یافته است؛ اما از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند منشأ تحولات مهمی در سطح یک جامعه شود.

ب. تروریسم سازمانی: به آن نوع از تروریسم گفته می‌شود که یک سازمان، اجتماعی، سیاسی یا نظامی، دولتی یا غیر دولتی با انگیزه‌های مختلف، اقدام به حذف عناصر دولتی یا مخالف خود بنماید و اقدام آن، در چهارچوب اهداف سازمانی بوده باشد. عمده ترورهای مهم در تاریخ، از این نوع ترورها بوده است. این نوع ترور می‌تواند در دو سطح ملی و بین‌المللی صورت گیرد (توکلی، ۱۳۸۸).

پ) تروریسم دولتی: تروریسمی است که در آن، دولت هدایت ترور را به عهده گرفته، برای آن سازمان در نظر می‌گیرد، هزینه‌هایش را پرداخته، به افراد آموزش‌های

نظامی می‌دهد و آن‌ها را در درون و بیرون جامعه هدایت می‌کند. از طرفی بسیاری از گروه‌های تروریستی، عملاً تحت حمایت دولت‌ها فعال هستند و گروه‌های تروریستی که حامی و پشتیبان آنها، حکومتها می‌باشند، از قدرت عمل بیشتری برخوردارند. شایسته یادآوری است که در لفاظی‌های سیاسی موجود، اصطلاح تروریسم دولتی غالباً برای اشاره به فعالیت‌های خارجی یک دولت مورد استفاده قرار می‌گیرد، حال آن که در کاربرد سنتی تر آن، توصیف اقدامات داخلی یک دولت بیشتر مدنظر بوده است. به عبارت دیگر، استفاده مستمر از واژه تروریسم دولتی در این مضمون منجر به تحریف معنای آن شده است (جی‌بدی، ۱۳۷۸). «دی‌پردیو» مصادیق تروریسم دولتی را در یک فهرست بلند بر می‌شمرد. به نظر وی، اقدامات سیاسی یک دولت نسبت به مردمش برای اعمال سلطه از طریق ایجاد وحشت که ممکن است از راه کنترل مطبوعات و رسانه‌ها، شکنجه و آزار، محاکمات غیرعادلانه، منع گردهمایی‌ها و اعدام‌های سریع تحقق یابد. حمله مسلحانه نیروی نظامی یک دولت به هدف‌هایی از دولت دیگر که در آن جان مردم به خطر افتد، تلاش برای از بین بردن مأموران دولت‌های دیگر، اشغال نظامی یک کشور، خواه به صورت کنترل مستقیم و خواه از طریق ایجاد پایگاه عملیاتی، عملیات سری و پنهانی یک دولت برای ثبات یا ساقط کردن دولت دیگر، تبلیغات مبتنی بر مطالبی بی‌اساس توسط یک دولت، خواه به منظور بی‌ثبات کردن دولت دیگر و خواه جلب حمایت عمومی از نیروهای نظامی، سیاسی یا اقتصادی هدایت شده در کشور دیگر باشد و بسیاری موارد دیگر نظیر آن، مصادیق تروریسم دولتی است (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۶).

ج. ویژگی‌ها و ماهیت تروریسم

کاربرد خشونت از پیش طراحی شده و غیرقابل پیش‌بینی و یا تهدید به خشونت برای به دست آوردن اهداف مشخصی، تروریسم خوانده می‌شود. حمله به توریست‌ها، کارکنان سفارت‌خانه‌ها، امدادگران، مردم غیرنظامی با انگیزه سیاسی، نمونه‌هایی از اقدامات تروریستی به شمار می‌آید. تروریسم ممکن است به وسیله افراد و گروه‌ها علیه

حکومت و یا توسط حکومت‌ها و یا با حمایت آنها، علیه گروه‌های خاصی به کار رود. با این تعریفی که از تروریسم به عمل آمد، باید گفت که تروریسم دارای چند ویژگی اساسی می‌باشد که این ویژگی‌ها مبارزه با آن را بسیار دشوار می‌کند. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. ویژگی اول تروریسم، عدم تعلق سرزمینی آن می‌باشد. این بدان معنی است که تروریسم، پایگاه جغرافیایی مشخصی ندارد که بتوان با مورد حمله قرار دادن سرزمین آنها به حیاتشان پایان داد. برای مثال، طبق آنچه که در سند امنیت ملی آمریکا آمده است گروه القاعده در افغانستان، پاکستان، عراق، یمن، سومالی، مغرب، ساحل عاج ... دارای پایگاههای امن است. گروه القاعده که آمریکا آن را تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌داند، همزمان در همه این کشورها وجود دارد و در عین حال، به هیچ کدام از این سرزمین‌ها احساس تعلق ندارد. بدین خاطر است که تحلیل‌گران روابط بین‌الملل معتقدند که باید بعد از ۱۱ سپتامبر، برای اولین بار قائل به ظهور بازیگری فاقد تعلق سرزمینی بود که می‌تواند به اقداماتی مانند اقدامات دولت‌های دارای سرزمین مشخص، دست بزند. مبارزه با این چنین بازیگری، طبیعتاً بسیار دشوار می‌باشد. برخی اعتقاد دارند که دولت‌های ورشکسته، بهترین مکان برای رشد گروه‌های تروریستی شبیه القاعده است (صارمی فر، ۱۳۹۲).

۲. ویژگی دوم تروریسم، قابلیت تحرک آن می‌باشد. این مزیتی است که تروریسم از آن برخوردار است؛ اما دولت‌ها که فاقد آن هستند. بدین معنی که دولت یک جغرافیای مشخص دارد که تنها در چهارچوب آن، قدرت تحرک دارد و قادر نیست از سرزمین خود کوچ کند؛ اما عدم احساس تعلق سرزمینی، به تروریست این قابلیت را داده است که از سرزمینی به سرزمین دیگر و از مکانی به مکان دیگر نقل مکان کنند. برحسب این ویژگی، باید گفت که گروه القاعده، امروز را می‌تواند در افغانستان باشد و فردا در شمال آفریقا مستقر شود. مورد حمله قرار دادن بازیگری که فاقد احساس تعلق سرزمینی است، بسیار دشوار است (صارمی فر، ۱۳۹۲).

۳. ویژگی سوم تروریسم این است که شیوه‌های مبارزه آنها، متفاوت از جنگ‌های کلاسیک است. بدین معنی که، این گونه نیست که تروریسم دارای ارتش کاملاً

مدرن، توپ، تانک و هواپیما باشد و حمل و استقرار آن نیز مشخص باشد و بتوان با فراهم آوردن ارتشی مدرن، مانند جنگ‌های کلاسیک با آن وارد جنگ شد و در صورت برتری داشتن نسبت به آن، در جنگ پیروز شد. نبردهای چریکی، بمب‌گذاری، جنگ‌های پراکنده و... از شیوه‌های رایج آن‌ها می‌باشد که با ارتش مدرن که برای انجام جنگ‌های کلاسیک مفید است، نمی‌توان آن را مهار کرد (صارمی فر، ۱۳۹۲).

د. اسناد حقوقی منطقه‌ای و بین‌المللی مقابله با تروریسم

۱. محتوای معاهدات منطقه‌ای

محتوای مجموعه معاهدات منطقه‌ای را در دو عنوان زیر مورد بحث قرار می‌دهیم:

الف. تعریف تروریسم؛

ب. همکاری‌های قضائی برای مبارزه با تروریسم.

۱-۱. تعریف تروریسم در معاهدات منطقه‌ای:

در میان کنوانسیون‌های بین‌المللی منطقه‌ای، کنوانسیون ۱۹۸۷ کشورهای آسیای جنوبی، کنوانسیون ۱۹۹۸ اتحادیه عرب و کنوانسیون ۱۹۹۹ سازمان کنفرانس اسلامی، تلاش نموده‌اند حوزه‌ای از جرایم تروریستی را تعریف نمایند. هر سه کنوانسیون، به معاهدات بین‌المللی دیگری که مربوط به مبارزه با تروریسم هستند اشاره نموده و دولت‌های عضو را به عمل به مضمون آنها دعوت کرده‌اند. بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی چنین مقرر نموده است: اصطلاح تروریسم به هر گونه عمل خشونت‌آمیز یا تهدیدکننده، اطلاق می‌شود که علی‌رغم مقاصد یا انگیزه‌اش به منظور اجرای برنامه مجرمانه فردی یا گروهی، به منظور ایجاد رعب بین مردم یا تهدید به آسیب رساندن یا به خطر انداختن جان، حیثیت، آزادی‌ها، امنیت یا حقوق آنان، یا به خطر انداختن محیط زیست یا هر گونه تأسیسات یا اموال عمومی یا خصوصی یا اشغال یا تصرف آنها یا به خطر انداختن منابع ملی یا تأسیسات بین‌المللی یا تهدید کردن ثبات، تمامیت ارضی، وحدت سیاسی یا حاکمیت کشورهای مستقل انجام می‌گیرد.

در بند ۳ ماده ۱ آمده است: اصطلاح جرم تروریستی به معنای ارتکاب، آغاز یا مشارکت در هر جرمی است که به منظور تحقق هدف تروریستی در هر یک از کشورهای متعاقد یا علیه اتباع، دارایی‌ها یا منافع آن کشور یا تأسیسات و اتباع خارجی مقیم در آن قلمرو، که مطابق با قوانین داخلی آن کشور مشمول مجازات قرار می‌گیرد، صورت پذیرد. بند ۴ ماده ۱ کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی، فهرستی از کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به تروریسم شامل ۱۰ کنوانسیون و ۲ پروتکل را ارائه و مقرر نموده است که جرایم مذکور در این معاهدات نیز جرم تروریستی محسوب می‌شوند، مگر اینکه قوانین کشورهای متعاقد آنها را مستثنی نموده یا آنها را تصویب نکرده باشد. بدین گونه، کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی بدون آنکه کشورهای عضو را ملزم به قبول معاهدات ۱۲ گانه فوق نماید، به جامعه جهانی اعلام نموده است که همه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، لزوماً مخالفت اصولی با مضامین معاهدات مشهور بین‌المللی مربوط به تروریسم ندارند. آری، چنانچه قوانین هر یک از دولت‌های عضو، مقررات کنوانسیون‌ها را تصویب نمایند، الزام و تعهد بین‌المللی به اجرای کنوانسیون‌های مذکور ندارند (غفرانی یوسف آباد، ۱۳۸۱).

کنوانسیون اتحادیه عرب (۱۹۸۸) و کنوانسیون کشورهای آسیای جنوبی نیز به همین ترتیب، فهرستی از معاهدات بین‌المللی مربوط به تروریسم را ارائه نموده‌اند، با این تفاوت که کنوانسیون اتحادیه عرب به ذکر شش معاهده و کنوانسیون کشورهای آسیای جنوبی به ذکر یک معاهده بسنده کرده‌اند. به علاوه یادآور می‌شویم که چه در کنوانسیون اروپایی ۱۹۷۷ و چه در کنوانسیون آمریکایی ۱۹۷۱ نیز، فهرستی وجود ندارد. اما نکته برجسته‌ای که در تعریف تروریسم در کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی مشاهده می‌شود، بند الف ماده ۲ آن است: مبارزه مسلحانه بر ضد اشغال بیگانه، تجاوز، استعمارگری و استیلا با هدف آزادسازی و تعیین سرنوشت، طبق اصول حقوق بین‌الملل، جرم تروریستی محسوب نخواهد شد. شبیه به مضمون فوق، در ماده ۱ کنوانسیون اتحادیه عرب نیز وجود دارد. به عبارت دیگر، تدوین کنندگان کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی مفاد فوق را نظیر بقیه مقررات آن، از کنوانسیون اتحادیه عرب استخراج نموده‌اند. بیان مذکور، البته گام بلندی در راستای تبیین مشروعیت دفاع است

که در هیچ یک از معاهدات دیگر دیده نمی‌شود و از این نظر، می‌بایست به نویسندگان معاهده تبریک گفت. همین گام است که مرزهای تفکیک دفاع مشروع و تروریسم را روشن ساخته است، تا آنجا که در نوشته‌های اخیر حقوقدانان غربی، مسأله لزوم تفکیک بین دو مفهوم به روشنی مطرح شده است، از جمله آقای توماس ماتیس، استاد جامعه‌شناسی حقوق دانشگاه اُسلو در مقاله‌ای تحت عنوان «توسعه مفهوم تروریسم» چنین نوشته است: تروریسم مفهوم پیچیده‌ای است. هر تعریفی از تروریسم ارائه شود به دیدگاه سیاسی نویسنده بستگی خواهد داشت: اسرائیل و بسیاری از کشورهای غربی اعمال مردم فلسطین را تروریستی می‌شناسند، در صورتی که این اعمال از سوی بسیاری از فلسطینی‌ها مشروع و قانونی تلقی می‌شود.

مطالعه تاریخ نیز نشان می‌دهد که [در طول تاریخ نیز] از تروریسم معانی مختلفی مطرح شده است. تظاهرات و تحرکات جنبش کارگری نروژ در سال‌های ۱۹۰۰ به عنوان عمل تروریستی محسوب می‌شد، در حالی که از نگاه بعضی دیگر این اعمال مشروع و قانونی بوده و به منظور تغییر ساختار اجتماعی - سیاسی نروژ انجام شده است (فیرچی و ظهیری، ۱۳۸۷).

آقای کینس لی^۱ نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «تعریف تروریسم» نوشته است: اگر چه ممکن است اعمال بعضی از نظر بعضی دیگر تروریسم و از نظر گروهی دیگر، مبارزه برای آزادی تلقی شود، اما در عین حال اگر یک «مرد خشونت» وجود داشته باشد که این ابهام در مورد او مطرح نشود، همان «اسامه بن لادن» است. در مقاله دیگر تحت عنوان «تعاریف تروریسم» که در پایگاه اینترنتی مرکز پیشگیری از وقوع جرم وجود دارد، چنین آمده است: «عدم توافق بر تعریف واحد از تروریسم مانع مهمی بر سر راه اقدامات متقابل بین‌المللی است. تردیدکنندگان غالباً چنین می‌گویند که یک دولت تروریست از یک منظر، تروریست و از یک منظر دیگر، یک دولت مبارز راه آزادی است (همان، ۴۸). اظهارات فوق نمونه‌هایی از قبول تفکیک بین مرزهای تروریسم و دفاع مشروع است، معنایی که منطبق با فطرت انسان و مکاتب الهی نیز هست.

1. Kinsley.

۱-۲. همکاری‌های قضائی

از جمله دلایل انعقاد کنوانسیون‌های بین‌المللی منطقه‌ای، همکاری و معاضدت قضائی بین دولت‌های عضو است. در صورتی که در یک معاهده بین‌المللی عملی جرم دانسته شود، کشورهای عضو متعهد می‌شوند که در زمینه استرداد مجرمین با یکدیگر همکاری نمایند، به درخواست هر یک از آنان تحقیق و بررسی قضائی در کشور دیگر انجام شود، متهمین به جرایم تعریف شده تحت پیگرد قرار گیرند و تحت شرایطی مجرم به کشور متبوع خود مسترد گردد. اما جرایم سیاسی، دائماً از شمول استرداد مجرمین خارج‌اند. هر دولتی می‌تواند از استرداد متهم یا مجرمی که تحت تعقیب محاکم کشور متبوع خویش است، در صورتی که جرم وی سیاسی باشد امتناع نماید. قوانین ملی کشورها و از جمله قانون استرداد مجرمین، مصوب سال ۱۳۳۹ در ایران نیز از همین قاعده تبعیت نموده‌اند. به موجب ماده ۸ قانون مزبور، دولت ایران از استرداد متهمی که جرم وی سیاسی تشخیص داده می‌شود خودداری خواهد کرد. این تشخیص به عهده دولتی است که قرار است متهم را مسترد نماید. بند ب ماده ۲ کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی، تدبیر ویژه‌ای اندیشیده است. برخلاف معمول سایر معاهدات مربوط به استرداد مجرمین، چنین نگفته است که هرگاه جرایم تروریستی مندرج در ماده ۱ از نظر دولت استردادکننده، جرم سیاسی تلقی شود متهم مسترد نخواهد شد. چنین عبارتی، تشخیص سیاسی بودن جرم را به عهده دولت استردادکننده وامی‌گذارد. بند ب ماده مذکور، چنین مقرر نموده است:

هیچ یک از جرایم تروریستی مذکور در ماده قبلی، جرایم سیاسی محسوب نخواهد شد. بدین ترتیب، ماده فوق اقدام به وضع قاعده ماهوی نموده و جرایم تروریستی را از شمول توصیف سیاسی، خارج نموده و مآلاً دولت استردادکننده نمی‌تواند به دلیل توصیف سیاسی جرم در حقوق داخلی خود از استرداد متهم خودداری نماید. شبیه به همین مقررات در ماده ۲ کنوانسیون اتحادیه عرب نیز وجود دارد. به‌علاوه در بند پ ماده ۲ کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی (و کنوانسیون اتحادیه عرب) تصریح شده است که در اجرای مفاد این کنوانسیون، جرایم زیر حتی با انگیزه سیاسی نیز، از مصادیق جرم جرایم تروریستی محسوب می‌شوند (افخم، ۱۳۸۸).

۲. اسناد حقوقی بین‌المللی

در دهه‌های اخیر، شمار زیادی اسناد حقوقی دربارهٔ تروریسم تنظیم و تصویب شده که در کنار هم، حقوق بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم محسوب می‌گردند. اینک بیش از ۱۴ عهدنامهٔ بین‌المللی و دو پروتکل دربارهٔ انواع جرائم بین‌المللی، که جرائم تروریستی شایع هستند وجود دارد و هر کدام از این اسناد، مشتمل بر فهرست یا توصیفی عینی از جرائم ممنوعه است و اقدامات مشخصی را برای سرکوب یا مجازات آن‌ها مقرر داشته است. این اسناد را به سه دستهٔ ذیل می‌توان تقسیم کرد:

۲-۱. اقدام بر ضد وسایل معین حمل و نقل یا تسهیلات خاص

هوایماریایی، حملهٔ مسلحانه به فرودگاه‌های بین‌المللی، تصرف کشتی‌های غیر نظامی با زور و... از اقدامات تروریستی شایع بین‌المللی است. به همین خاطر، با حمایت ایکائو، چهار کنوانسیون چندجانبه تهیه و تصویب شده است که به ترتیب، اعمال غیرقانونی ارتكابی در هوایما، تصرف غیرقانونی هوایما و اقدامات مجرمانه بر ضد امنیت هوایماهای غیر نظامی و در فرودگاه‌های بین‌المللی را پوشش می‌دهد. دو سند دیگر هم، که یکی به اعمال تروریستی بر ضد دریانوردی تجاری و دیگری به اقدامات تروریستی بر ضد سگوهای ثابت مستقر در فلات قاره مربوط می‌شود، با حمایت سازمان بین‌المللی دریایی منعقد شده است.

یک. کنوانسیون راجع به جرائم و برخی اعمال ارتكابی دیگر در هوایما [این عهدنامه از ۴ دسامبر ۱۹۶۹ لازم‌الاجرا شد و تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ تعداد ۱۵۹ دولت آن را تصویب کرده یا به آن ملحق شده بودند]: این کنوانسیون که در ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۳ در توکیو امضا شد (کنوانسیون توکیو)، اولین سند چندجانبهٔ حقوقی بود که به معضل روبه‌رشد هوایماریایی پرداخت. هدف اصلی این کنوانسیون، ایجاد صلاحیت اولیه و اصلی برای دولت محل ثبت هوایما در خصوص جرائم ارتكابی در هوایمای غیرنظامی در حال پرواز در سرزمین خود یا بر فراز دریای آزاد یا در هر منطقه‌ای خارج از سرزمین دولت محل ثبت می‌باشد (مواد ۱ و ۳) (افخم، ۱۳۸۸).

گرچه این کنوانسیون، هیچ تعریف یا فهرستی از جرائم خاص یا اعمالی که باید

سرکوب شود ارائه نمی‌کند، اما ماده ۱۱ آن، به نوع خاصی از تروریسم یعنی راهزنی هوایی پرداخته است.

دو. کنوانسیون جلوگیری از تصرف غیرقانونی هواپیما: [این کنوانسیون از ۴ اکتبر ۱۹۷۱ قوت اجرایی یافت و تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ تعداد ۱۵۹ دولت به عضویت آن درآمده بودند] این کنوانسیون که در ۱۶ دسامبر ۱۹۷۰ در لاهه امضا شد (کنوانسیون لاهه)، درصدد تقویت سیستم همکاری بین‌المللی ایجادشده به وسیله کنوانسیون ۱۹۶۳ توکیو می‌باشد. این هدف، با تعریف جرم هواپیمارمایی (ماده ۱)، الزام کشورهای عضو به وضع «مجازات‌های شدید» برای جرم مذکور در قوانین ملی خود (ماده ۲) و الزام دولت عضوی که مجرم ادعایی در سرزمین آن یافت شده، به استرداد او به یکی از دولت‌هایی که با آن جرم در ارتباط است یا ارجاع موضوع به مقامات ذی‌صلاح برای پیگرد قانونی (اصل استرداد یا محاکمه؛ ماده ۷) برآورده می‌شود.

سه. کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیر قانونی بر ضد امنیت هواپیمایی کشوری [این عهدنامه در ۲۶ ژانویه ۱۹۷۳ لازم‌الاجرا شد و ۱۶۰ دولت تا ۴۲ نوامبر ۱۹۹۶ به عضویت آن درآمده بودند]: این سند که در ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۱ در مونترال امضا شد (کنوانسیون مونترال)، رژیم کنوانسیون ۱۹۷۰ لاهه در خصوص مبارزه با هواپیمارمایی را با پرداختن به دیگر انواع اقدامات خشونت بار بر ضد هواپیمایی کشوری تکمیل می‌کند.

چهار. پروتکل مقابله با اعمال خشونت بار غیرقانونی در فرودگاه‌های مورد استفاده هوانوردی بین‌المللی غیر نظامی [این پروتکل در ۶ اوت ۱۹۸۹ لازم‌الاجرا شد و تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ تعداد ۶۷ دولت عضو آن بودند] تهیه و تنظیم این پروتکل که در ۲۴ فوریه ۱۹۸۸ در مونترال به امضا رسید (پروتکل مونترال) مستقیماً با بمب‌گذاری‌های انجام شده در فرودگاه‌های فرانکفورت و توکیو در ژوئن ۱۹۸۵ و حملات تروریستی در فرودگاه‌های ژم و وین، در دسامبر همان سال در ارتباط بود.

پنج. کنوانسیون مقابله با اعمال غیر قانونی بر ضد ایمنی دریانوردی [این عهدنامه در اول مارس ۱۹۹۲ لازم‌الاجرا شد و ۳۳ دولت تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ به عضویت آن درآمده بودند]: در واکنش به حمله تروریستی به مسافران یک کشتی مسافرتی که در اکتبر ۱۹۸۵ در دریای مدیترانه حرکت می‌کرد (ماجرای آکیله لایرو) سازمان بین‌المللی

در یانوردی، این کنوانسیون را در ۱۹ مارس ۱۹۸۸ در ژنوا تهیه کرد. این کنوانسیون، ناظر بر کشتی‌هایی غیر از کشتی جنگی یا دولتی است که از داخل آب‌های ورای مرز خارجی دریای سرزمینی یک دولت یا محدوده کناری دریای سرزمینی آن با دولت‌های مجاور حرکت می‌کنند یا از این آب‌ها عبور می‌کنند (ماده ۴).

شش پروتکل مقابله با اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی سگوهای ثابت واقع در فلات قاره [این پروتکل در اول مارس ۱۹۹۲ لازم الاجرا شد و ۳۳ دولت تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ به عضویت آن درآمده بودند]: این سند در ۱۰ مارس ۱۹۸۸ در ژنوا به امضا رسید. طبق ماده ۲ این پروتکل، هر شخصی که به صورتی غیرقانونی و عمدی، اقدامات زیر را انجام دهد، مرتکب جرم شده است: با زور یا تهدید به زور یا هر نوع دیگری از ارعاب، سگوی ثابت را تصرف یا بر آن اعمال کنترل نماید؛ عمل خشونت‌آمیزی بر ضد شخص حاضر در سگوی ثابت انجام دهد که احتمالاً ایمنی آن شخص را به مخاطره افکند؛ سگوی ثابت را منهدم کند یا باعث وارد آمدن خسارتی به آن شود که به مخاطره افتادن ایمنی آن سگو را محتمل سازد؛ به هر طریقی شیء یا ماده‌ای در سگوی ثابت قرار دهد یا باعث قرار گرفتن آن شود که احتمال برود آن سگوی ثابت را منهدم نماید یا احتمالاً باعث به مخاطره افتادن ایمنی آن شود؛ یا در ارتباط با ارتکاب یا شروع به ارتکاب هر یک از جرائم یاد شده، شخص را مجروح سازد یا به قتل برساند (اسدی، ۱۳۸۷).

۲-۲. اقدام بر ضد گروه‌های خاص

سران دولت یا حکومت و مأموران دیپلماتیک، آماج دلخواه تروریسم بین‌المللی بوده‌اند. تأثیرات این گونه حملات تروریستی، به‌ویژه از آن‌رو شدید است که نه فقط ایمنی این اشخاص را به مخاطره می‌افکند، بلکه برای حفظ روابط معمول بین‌المللی هم که لازمه همکاری میان دولت‌هاست، تهدیدی جدی است. کارمندان سازمان ملل متحد و دیگر کارکنان وابسته هم که به ایفای وظیفه برای ملل متحد اشتغال دارند، بیشتر از گذشته در معرض حملات و دیگر اقدامات خشونت‌بار بوده‌اند. با این حال، جنبه دیگری از تروریسم بین‌المللی که نگرانی جدی جامعه بین‌المللی را برانگیخته

است گروگان‌گیری است. سه کنوانسیون چندجانبه در این باره موجود است که با حمایت ملل متحد تهیه شده و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، این مسائل را مطرح نظر قرار داده است:

یک. کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرائم بر ضد اشخاص مورد حمایت بین‌المللی، از جمله نمایندگان دیپلماتیک [این عهدنامه در ۲۰ فوریه ۱۹۹۷ لازم‌الاجرا شد و ۹۲ دولت تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ به عضویت آن درآمده بودند]: این کنوانسیون در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۴ دسامبر ۱۹۷۳ در نیویورک تنظیم شد (کنوانسیون نیویورک). کنوانسیون نیویورک، برای مقابله با حملات تروریستی بر ضد «اشخاص مورد حمایت بین‌المللی» که در ماده یک به نحو زیر از نظر کنوانسیون تعریف شده‌اند، اقداماتی را مقرر می‌دارد: رئیس کشور یا هر یک از اعضای گروهی که طبق قانون اساسی کشور ذریبط، وظایف رئیس کشور را اعمال می‌نمایند و رئیس دولت یا وزیر امور خارجه، هنگامی که هر یک از این اشخاص در سرزمین یک کشور خارجی به سر برند و همچنین اعضای خانواده‌شان که همراه آنها باشند (همان).

هر نماینده یا کارمند دولت یا هر کارمند یا کارگزار یک سازمان بین‌المللی دولتی که به موجب حقوق بین‌الملل حق دارد در برابر هرگونه حمله به شخص، آزادی و حیثیت خود و خانواده‌اش از حمایت ویژه برخوردار گردد. بنابراین اشخاص مورد حمایت این کنوانسیون، کسانی هستند که طبق حقوق بین‌الملل عرفی یا معاهدات بین‌المللی مانند کنوانسیون ۱۹۶۱ وین درباره روابط دیپلماتیک و کنوانسیون ۱۹۶۳ وین درباره روابط کنسولی و نیز کنوانسیون‌های ناظر بر مصونیت‌های ملل متحد و کارگزاری‌های تخصصی، از مصونیت برخوردار گشته‌اند. طبق ماده ۲ این کنوانسیون، هر دولت عضو موظف است که ارتکاب عمدی حملات زیر را در قوانین داخلی خود، جرم قلمداد کند: قتل، آدم‌ربایی، یا هر نوع حمله به شخص یا آزادی شخص مورد حمایت بین‌المللی. حمله خشونت‌آمیز به اماکن رسمی، محل سکونت، یا وسیله نقلیه متعلق به شخص مورد حمایت بین‌المللی، به نحوی که جان یا آزادی او به مخاطره افتد. تهدید به ارتکاب چنین حمله یا شروع به آن و معاونت در چنین حمله‌ای نیز جرم است. طبق ماده ۹ این کنوانسیون، دولت‌هایی که دارای صلاحیت اصلی درباره جرائم

فوق هستند، عبارتند از: دولت محل ارتکاب جرم یا دولت محل ثبت کشتی یا هواپیما هنگامی که جرم در آنها محقق شده باشد. دولت متبوع مجرم ادعایی. دولتی که قربانی به عنوان شخص مورد حمایت بین‌المللی، از جانب وی به انجام وظیفه پرداخته است. دو. کنوانسیون راجع به ایمنی کارکنان سازمان ملل متحد و کارکنان وابسته. این کنوانسیون که در ۹ دسامبر ۱۹۹۴ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تنظیم شد دو هدف دارد: تصریح به حقوق و تکالیف دولت‌های عضو و سازمان ملل متحد و کارکنان وابسته به آن و ایجاد مسئولیت کیفری برای مرتکبان حملات بر ضد آن اشخاص. به دلیل همین نقطه ثقل دوگانه، دامنه این کنوانسیون، گسترده‌تر از دیگر اسناد مورد بحث است.

سه. کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با گروگان‌گیری [این عهدنامه از ۳ ژوئن ۱۹۸۳ لازم‌الاجرا شد و تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ تعداد ۷۷ دولت عضو آن شده بودند]: این کنوانسیون در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹ تنظیم و تصویب شد و هدف از آن، توسعه همکاری بین‌المللی در زمینه انجام اقداماتی مؤثر برای جلوگیری، تعقیب و مجازات تمام اقدامات گروگان‌گیری، به عنوان تجلیات تروریسم بین‌المللی است. طبق این کنوانسیون، شخصی که دیگری را برباید، توقیف کند و به قتل، صدمه یا ادامه توقیف او (گروگان) تهدید کند، تا شخص ثالثی یعنی یک دولت، یک سازمان بین‌المللی غیردولتی، یک شخص حقیقی یا حقوقی، یا گروهی از اشخاص، به انجام یا خودداری از انجام عملی به عنوان شرط صریح یا ضمنی آزادی گروگان وادار شود، مرتکب جرم گروگان‌گیری شده است. هر شخصی که شروع به عمل گروگان‌گیری کند یا به عنوان معاون و کمک کار کسی که مرتکب عمل گروگان‌گیری شده یا شروع به ارتکاب آن نموده، مشارکت کند از نظر این کنوانسیون مرتکب جرم شده است (ماده ۱) (اسدی، ۱۳۸۷، ۱۰۵). مقررات این کنوانسیون، در زمینه مکانیسم تعقیب مجرم ادعایی چنین جرمی، از مقررات ذی‌ربط کنوانسیون نیویورک و دیگر اسناد ضد تروریستی که از آنها یاد کرده‌ایم، الگوبرداری شده است (ماده ۵).

۲-۳. استفاده از مواد یا وسایل معینی برای اهداف تروریستی

خطرات بالقوه نهفته در تحصیل و استفاده غیرقانونی از مواد هسته‌ای، مایه نگرانی شدید جامعه بین‌المللی شده است. با به‌کارگیری فزاینده انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز، این خطر که مواد هسته‌ای در اختیار تروریست‌ها قرار گیرد، پیوسته بیشتر می‌شود. در این زمینه، دو معاهده چندجانبه، با حمایت و توجه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری تنظیم و تصویب شده است.

یک. کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای [این عهدنامه در ۸ فوریه ۱۹۸۷ لازم‌الاجرا شد و ۵۵ دولت تا ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ به عضویت آن درآمدند] برای انجام اقداماتی مؤثر جهت تضمین جلوگیری، کشف و مجازات جرائم مربوط به مواد هسته‌ای، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی این کنوانسیون را در ۲۶ اکتبر ۱۹۷۹ در وین تهیه کرد.

دو. کنوانسیون علامت‌گذاری مواد انفجاری پلاستیکی به منظور تشخیص آنها. این کنوانسیون که توسط سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری در اول مارس ۱۹۹۱ تهیه و تنظیم شد، واکنش حقوقی مستقیم جامعه بین‌المللی به انفجار پرواز شماره ۱۰۳ پان امریکن بر فراز لاکربی اسکاتلند در دسامبر ۱۹۸۸ بود. هدف از این کنوانسیون، منع (نه مجازات) استفاده از بمب‌های پلاستیکی برای اقدامات تروریستی است. این کنوانسیون، دولت‌های عضو را ملزم می‌سازد که اقدامات ضروری و مؤثر را برای ممنوع کردن و جلوگیری از ساخت مواد انفجاری علامت‌گذاری نشده در قلمرو خود و نیز وارد ساختن یا خارج کردن آن بمب‌ها از سرزمین‌شان انجام دهند (اسدی، ۱۳۸۷، ۱۰۵).

۳. نگاهی به قطعنامه شماره ۱۳۷۳

مهم‌ترین سند بین‌المللی مقابله با تروریسم، قطعنامه شماره ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل است [این قطعنامه مشتمل بر یک مقدمه، دارای ۹ بند و دارای ۲۴ بند در متن می‌باشد] که در مورخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ تصویب شده است. این قطعنامه برخلاف سایر قطعنامه‌های شورا که موردی و ناظر به مسائل خاصی هست و گاهی مشتمل بر بعضی قواعد عام نیز می‌گردد، به‌طور کلی متضمن قواعد عام است.

۳-۱. مقدمه

مقدمه قطعنامه مشتمل بر نکات زیر است:

۱. تأکید بر قطعنامه‌های ۱۲۶۹ و ۱۳۶۸؛
۲. محکومیت مجدد عملیات ۱۱ سپتامبر؛
۳. محکومیت عملیات تروریستی بین‌المللی و شناسایی آن به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی؛
۴. تأکید بر اینکه افزایش عملیات تروریستی در جهان، ناشی از انگیزه‌های تعصب یا افراط‌گرایی است؛
۵. درخواست مشارکت و همکاری از کلیه کشورها؛
۶. الزام کشورها به پیش‌گیری و سرکوب عملیات تروریستی؛
۷. ممنوعیت سازمان‌دهی و تشویق عملیات تروریستی در قلمرو کشور دیگر؛
۸. ممنوعیت کمک یا مشارکت در عملیات تروریستی؛
۹. ممنوعیت اجازه فعالیت‌های سازمان‌یافته، به‌منظور ارتکاب عملیات تروریستی در قلمرو خود.

۳-۲. متن قطعنامه

- متضمن تصمیماتی در خصوص موضوعات زیر: ۱. اقدامات پیشگیرانه؛ ۲. اقدامات اقتصادی، مالی و خدماتی؛ ۳. اقدامات کیفری؛ ۴. ممنوعیت‌های حمایتی و پناهندگی؛ ۵. مبادله اطلاعات؛ ۶. نظارت و پیگیری اجرای قطعنامه (مرعشی، ۱۳۸۰).

۴. تلاش‌های مجمع عمومی درباره تروریسم

تلاش‌های مجمع عمومی به منظور ایجاد چارچوبی هنجاری در سه جریان از قطعنامه‌های مربوط به تروریسم منعکس می‌باشند. بخشی از این قطعنامه‌ها که ناظر بر وقایعی خاص هستند، چگونگی فهم این ساختار هنجاری و به‌کارگیری آن را از سوی دولت‌ها بیان می‌کنند. تلاش‌های مجمع عمومی به منظور ترغیب اقدام هماهنگ بین‌المللی در مقابله با تروریسم، سه شکل به خود گرفته است: دو کمیته مخصوص در مورد تروریسم از نمایندگان دولت‌های عضو تشکیل شده

است که راهکارهای خاص را بیابند، کارگزاری‌های تخصصی ملل متحد دارای صلاحیت در حوزه‌های مرتبط با تروریسم را، به‌منظور تبیین مسئله تشویق کرده و همکاری با یکدیگر در جلوگیری از تروریسم را تشویق کرده است. مجمع عمومی ابتدا در سال ۱۹۷۲، تروریسم بین‌المللی را به صورت مسئله‌ای کلی تعریف کرد. در اواسط دهه ۱۹۸۰ نیز، گاه آن را مطرح ساخت و از زمان تصویب اعلامیه راه‌های حذف تروریسم بین‌المللی با قطعنامه ۴۹/۶۰ در دسامبر ۱۹۹۴، کم و بیش به طور مداوم آن را مورد توجه قرار داده است (UN, 1994). پیشنهادات خاص که در رابطه با رسیدگی به تروریسم در این قطعنامه وجود دارند، در طول زمان با تغییر تصور مجمع عمومی از مسئله، متحول شده‌اند. از عناوین و مقدمه‌های این قطعنامه‌ها می‌توان طرح‌های مجمع عمومی در مورد بیان مفهوم کلی تروریسم را پیگیری کرد. بندهای مقدماتی، ملاحظات گسترده و راهنمای تصویب قطعنامه را شناسایی می‌کنند. زمانی که قطعنامه‌ای جدید براساس قطعنامه‌های قبلی تنظیم گردیده، ملاحظات قبلی مجمع در مورد موضوع ابتدا مطرح می‌شود و هنجارهای بین‌المللی کلی‌تر، به وسیله مجمع عمومی به دولت‌های عضو یادآوری می‌شود.

عناوین و مقدمه‌های این قطعنامه‌ها، حاکی از آن است که رهیافت مجمع عمومی نسبت به مسئله تروریسم در اوایل دهه ۱۹۹۰ تغییری چشمگیر می‌کنند. از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۹، توجه به تروریسم به عنوان مسئله‌ای کلی تحت موضوعی با عنوان «راهکارهای جلوگیری از تروریسم بین‌المللی» عمدتاً به کمیته ششم (کمیته حقوقی) واگذار و این عبارت در عناوین قطعنامه نیز به کار برده شد. به هر حال، مقدمه‌ها بیشتر متوجه ایجاد تمایز میان درگیری نظامی قابل توجیه و تروریسم بود تا تمرکز بر پیشنهاداتی برای کاهش وقوع تروریسم. بندهای اجرایی نیز تنها به اختلافات میان دولت‌ها برای ابزار مقابله با تروریسم از طریق همکاری و توجه به دلایل ریشه‌ای توجه داشت. در دهه ۱۹۹۰، این مسئله هنوز به کمیته ششم، ارجاع داده می‌شود. اما ویژگی قطعنامه‌های تصویب شده در این دهه کاملاً متفاوت بود.

در سال ۱۹۹۱، نخستین قطعنامه در مورد مسئله کلی تروریسم با اجماع به تصویب رسید که عنوان آن، به راهکارهای حذف تروریسم بین‌المللی تغییر کرده و بنابراین،

قطعنامه‌های بعدی نیز دارای این عنوان بودند. عنوان جدید، موافقت بیشتر برای عدم توجیه اعمال تروریستی به دلایل ریشه‌ای را منعکس می‌کرد. همچنین تلاش در جهت حمایت از این نکته بود که درگیری‌های نظامی قابل توجهی که به لحاظ هدف و ابزار متفاوت هستند، ارتباطی به عناوین تروریسم ندارند. حتی دولت‌های بسیاری که به‌طور مداوم بر حذف دلایل ریشه‌ای تأکید می‌کردند، با ضرورت راهکارهای گسترده‌تر همکاری در جهت مقابله با هر کسی که درگیر اقدامات تروریستی است، موافقت کردند. در سال ۱۹۹۳ جریانی از قطعنامه‌ها، به وسیله کمیته سوم (کمیته اجتماعی، بشردوستانه و فرهنگی) با عنوان «حقوق بشر و تروریسم»، شرایط قربانیان و عواملان واقعه تروریستی مطرح شد که با نگرشی متفاوت، مبتنی بر ادغام موضوعات در قطعنامه ۶۰-۴۹ (۱۹۹۴) خود را نشان داد (پیترسون^۱، ۲۰۰۴). به علایق هنجاری مختلف برانگیزنده این جریان‌ها در معاهدات چندجانبه، اعلامیه‌های بین‌المللی و قطعنامه‌های قبلی مجمع عمومی و مقدمات آنها، اشاره شده است. قطعنامه ۳۰۳۴ (۱۹۷۲)، نخستین قطعنامه از جریان راهکارهای جلوگیری به اعلامیه ۱۹۷۰ درباره اصول حقوق بین‌الملل، در مورد روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها مطابق با منشور ملل متحد استناد می‌کند (UN, 1970). دیدگاهی را مبنی بر اینکه دولت‌ها چگونه روابط خود را با یکدیگر هدایت کنند، مطرح کرده و عدم مشروعیت استعمار، قواعد تبعیض نژادی و مداخله خارجی در امور دولت‌ها را مورد تأیید قرار می‌دهد.

در قطعنامه ۴۸/۱۲۲ (۱۹۹۳)، نخستین قطعنامه از جریان حقوق بشر و تروریسم، به اهداف ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، دو میثاق بین‌المللی حقوق بشر و اعلامیه وین (۱۹۹۳) و برنامه اقدام کنفرانس جهانی حقوق بشر استناد می‌شود. قطعنامه ۴۹/۶۰ (۱۹۹۴) با استناد به اصول و اهداف منشور ملل متحد، اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در مورد روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها مطابق با منشور ملل متحد، اعلامیه تقویت امنیت بین‌المللی (UN, 1970)، تعریف تجاوز (UN, 1974)، اعلامیه اثرگذاری اصول خودداری از تهدید یا توسل به زور در روابط بین‌المللی (UN, 1987)،

1. Peterson.

اعلامیه وین و برنامه اقدام و دو میثاق حقوق بشر، هر دو جریان را نمایندگی می‌کند. قطعنامه‌های هر سه جریان را تا سال ۱۹۹۹ نه تنها با عنوان آنها، بلکه با قطعنامه‌های قبلی ذکر شده در مقدمه‌هایشان می‌توان یافت. از آن زمان به بعد، شرح هر یک قطعنامه‌های مجمع عمومی با ارجاع به قطعنامه‌های پیشین که دارای همان عنوان بودند، جایگزین گردید. عناوین معمول که می‌توان از آن توالی قطعنامه‌های مربوط به تروریسم را پیگیری کرد عبارتند از:

۴-۱. راهکارهای جلوگیری از تروریسم در قطعنامه‌ها

قطعنامه‌های ۳۰۳۴ (۱۹۷۲)، ۳۱/۱۰۲ (۱۹۷۶)، ۳۲/۱۴۷ (۱۹۷۷)، ۳۴/۱۴۵ (۱۹۷۹)، ۳۶/۱۰۹ (۱۹۸۱)، ۳۸/۱۳۰ (۱۹۸۳)، ۴۰/۶۱ (۱۹۸۵)، ۴۲/۱۵۹ (۱۹۸۷)، ۴۴/۲۹ (۱۹۸۹)، ۵۴/۱۰۹ (۱۹۹۹)، ۵۸/۱۳۶ (۲۰۰۳)، ۵۹/۱۵۳ (۲۰۰۴)، ۶۰/۷۳ (۲۰۰۵)، ۶۰/۲۸۸ (۲۰۰۶)، ۶۱/۱۷۲ (۲۰۰۷)، ۶۲/۲۷۲ (۲۰۰۸)، ۶۰/۶۳ (۲۰۰۹)، ۳۸/۶۴ (۲۰۱۰).

۴-۲. حقوق بشر و تروریسم

قطعنامه‌های ۴۸/۱۲۲ (۱۹۹۳)، ۴۹/۱۸۵ (۱۹۹۴)، ۵۰/۱۸۶ (۱۹۹۵)، ۵۲/۱۳۳ (۱۹۹۷)، ۵۴/۱۶۴ (۱۹۹۹)، ۵۶/۱۶۰ (۲۰۰۱)، ۵۸/۱۷۴ (۲۰۰۳)، ۵۲/۱۹۱ (۲۰۰۴)، ۶۰/۱۵۸ (۲۰۰۵)، ۶۱/۱۷۱ (۲۰۰۶)، ۶۲/۱۵۹ (۲۰۰۷)، ۶۳/۱۸۵ (۲۰۰۸)، ۶۵/۲۲۱ (۲۰۱۰)، ۱۶۸/۶۴ (۲۰۱۰).

۴-۳. راهکارهای حذف تروریسم

قطعنامه‌های ۴۶/۵۱ (۱۹۹۱)، ۴۹/۶۰ (۱۹۹۴)، ۵۰/۵۳ (۱۹۹۵)، ۵۱/۲۱۰ (۱۹۹۶)، ۵۲/۱۶۵ (۱۹۹۷)، ۵۵/۱۵۸ (۲۰۰۰)، ۵۶/۸۸ (۲۰۰۱)، ۵۷/۲۷ (۲۰۰۲)، ۵۸/۸۷ (۲۰۰۳)، ۵۹/۴۶ (۲۰۰۴)، ۶۰/۴۳ (۲۰۰۵)، ۶۱/۴۰ (۲۰۰۶)، ۶۲/۷۱ (۲۰۰۷)، ۶۳/۱۲۹ (۲۰۰۸)، ۱۲۹/۶۳ (۲۰۰۹)، ۶۵/۳۴ (UN Doc, 2010).

این مجموعه متعدد از قطعنامه‌های مجمع عمومی، نشانگر توجه ویژه به مسئله تروریسم است که خود باعث هنجارسازی در این موضوع می‌باشد (طاهرخانی و مصفا

۵. تحلیلی بر راهکارهای سیاسی حقوقی مقابله با تروریسم بین‌الملل

تروریسم بین‌الملل به دنبال ایجاد نظام ناامنی دسته جمعی است. با وجود تصویب کنوانسیون‌های متعدد تنبیهی و پیشگیرانه بین‌المللی در مقابله با تروریسم از سوی شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد و وضعیت ناموفق کنونی مبارزه با تروریسم، بیانگر این واقعیت است که چارچوب سیاسی حقوقی مبارزه با تروریسم، کاملاً ناکارآمد بوده است و تدوین هرگونه راهبرد منسجم سیاسی - حقوقی مبارزه با تروریسم بین‌الملل، مستلزم اجماع دولت‌ها و در نظر گرفتن خواسته جمعی ملت‌ها است. کمیته ویژه سازمان ملل متحد در خصوص تروریسم بین‌الملل، پس از انجام تحقیق و تفحص، اصلی‌ترین علل به وجود آمدن تروریسم را این‌گونه اعلام نموده است: استفاده از زور برخلاف منشور سازمان ملل متحد؛ تجاوز به استقلال سیاسی؛ نژادپرستی؛ نابرابری و رشد و توسعه ناهماهنگ میان کشورهای شمال و جنوب؛ بی‌عدالتی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی؛ استثمار؛ نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر؛ گرسنگی؛ قحطی و نیاز؛ فقر و غیره، با توجه به مطالعه و تحقیق کمیته ویژه راجع به تروریسم.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد مکرراً از کشورها و کارگزارهای تخصصی سازمان ملل خواسته است تا برای خشکاندن تدریجی ریشه‌های تروریسم بین‌المللی اقدام نمایند. در حال حاضر، هر دولتی مستقلاً و به صورت کاملاً خودمختار، مسئولیت تربیت و به کارگیری نیروهای ضد تروریستی را برعهده گرفته است. نتیجه آن که در چنین شرایطی، هیچ کشوری نمی‌تواند به صورت کاملاً یک‌جانبه با تهدیدات تروریستی به‌طور مؤثر مقابله کند. این تهدیدات اساساً فراملی هستند و از این رو مقابله با آنها، نیازمند اتخاذ ترکیبی از تدابیر ملی و بین‌المللی است (آقایی خواجه‌پاشا، ۱۳۹۲).

۵. بازدارندگی کنشی تروریسم در ایران

بازدارندگی اساساً به معنای جلوگیری از بروز شرایط خاص است. برای تحقق این

اهداف لازم است به حریف بالقوه تفهیم شود، در صورت ایجاد چنین شرایطی، چه عواقبی در انتظار او خواهد بود. در این خصوص، می‌توان دریافت بازدارندگی مستلزم وجود شروطی است که مهم‌ترین آنها عبارت است: ارتباط، توانایی و اعتماد (کافمن، ۱۹۴۵، ۱۵).

و. معاهدات دو یا چندجانبه

رویکرد پیشگیرانه نسبت به جرایم سازمان یافته فراملی، جز با همکاری دو جانبه یا همکاری بین‌المللی به دست نمی‌آید. کنوانسیون‌های مرتبط با تروریسم، دولت‌ها را مکلف به همکاری در زمینه‌های گوناگون برای پیشگیری و سرکوبی تروریسم کرده است. به همین دلیل، در سال‌های کنونی با افزایش جرایم سازمان یافته، دولت قصد همکاری دو یا چند جانبه کرده است. برای تحقق اهداف کنوانسیون‌های مرتبط با تروریسم، دولت ایران موافقت‌نامه‌هایی با چند کشور منعقد کرده است و طبق قانون اساسی، این موافقت‌نامه‌ها بعد از تصویب در مجلس شورای اسلامی، در حکم قانون و لازم‌اجرا است.

۱. موافقت‌نامه ایران و قزاقستان

مقرر می‌دارد: طرف‌های متعاقد، اطلاعات راجع به مقابله و پیشگیری از جرائم سازمان یافته و تروریسم را، در راستای مقابله با پیشگیری از این گونه جرائم مبادله کنند.

۲. موافقت‌نامه ایران و عربستان سعودی

مقرر می‌دارد: طرف‌های متعاقد در راستای پیشگیری از وقوع جرائم سازمان یافته و تروریسم و بهینه‌سازی فعالیت‌های خود، در زمینه مقابله با آن‌ها و سایر جرائم یاد شده همکاری به عمل می‌آورند.

۳. موافقت‌نامه ایران و ایتالیا

به روش‌هایی اشاره می‌کند که بر پایه آن، طرفین به منظور پیشگیری و مبارزه با

جرائم سازمان یافته فراملی و تروریسم و سایر جرائم یاد شده، همکاری می کنند (اسماعیلی، ۱۳۸۹).

ز. همکاری های بین المللی

۱. جلوگیری از استفاده از قلمرو خود، جهت استفاده از آن برای طراحی، سازماندهی، اجرای جرایم تروریستی یا شروع یا مشارکت در این جرایم به هر نحو.
۲. همکاری و هماهنگی با سایر کشورهای متعاقد، به ویژه کشورهای همسایه که با جرایم تروریستی مشابه یا مشترکی روبرو هستند.
۳. توسعه و تقویت سیستم های کشف حمل و نقل، واردات، صادرات، انبار نمودن.
۴. توسعه و تقویت سیستم های مربوط به روش های مراقبت.
۵. تقویت محافظت، امنیت و سلامت جانی هیأت ها و شخصیت های دیپلماتیک و کنسولی.
۶. تقویت محافظت، امنیت و سلامت جانی هیأت ها و شخصیت های دیپلماتیک و کنسولی.
۷. تقویت فعالیت های اطلاعاتی امنیتی و هماهنگ نمودن آنها با فعالیت های اطلاعاتی هر کشور.
۸. ایجاد پایگاه اطلاعاتی توسط هر کشور متعاقد برای جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات در مورد عناصر.
۹. علاوه بر این، کشورهای متعاقد این را به روز در خواهند آورد (نماینان و عباسی، ۱۳۹۳).

ح. قوانین ماهوی پیشگیری واکنشی تروریسم در ایران

۱. محاربه

طبق ماده ۲۳۷ ق.م.ا که بیان می کند محاربه عبارت است از کشیدن سلاح به قصد جان و مال و یا ناموس مردم یا ارباب آنها، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هرگاه کسی با انگیزه شخصی، به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد

و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به‌روزی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی‌شود. طبق ماده مذکور: محاربه یک جرم مقید به نتیجه است؛ به دلیل آنکه محارب شناخته شدن شخص اولاً باید انگیزه شخصی نداشته باشد و شخص و اشخاص معینی نیز نباید مد نظر آن باشد؛ دوماً جنبه عمومی باید داشته باشد؛ سوماً که مهم‌ترین مسئله است باید از عملکردهای خود نتیجه به‌دست آورد که رعب، وحشت و سلب امنیت است. در غیر این صورت، شخص محارب محسوب نمی‌شود. با توجه به دلایل مذکور، محاربه یک جرم مقید است نه مطلق.

این تعریف، مشابه تعریفی است که از تروریسم ارائه شده است. محاربه چه با سلاح گرم و چه سرد، باید خشونت‌آمیز باشد و غیرخشونت‌آمیز بودن عمل، آن را از حیطه محاربه خارج می‌کند. عنصر مشترک بین محاربه و تروریسم، خشونت‌آمیز بودن است. همان‌طور که می‌دانیم در تعریف تروریسم نیز، بر روی دو عنصر تأکید ویژه‌ای شده است: خشونت‌آمیز بودن و ارباب عمومی شهروندان، مانند تعریف زیر:

کاربرد مکرر خشونت با انگیزه‌های سیاسی به همراه قصد ارباب به‌وسیله‌ی عاملان غیردولتی که بر بیش از یک دولت اثر می‌گذارد. در اقدام محارب، انگیزه شخصی و جلب منفعت وجود دارد و همین امر، موجب تقبیح عمل می‌شود؛ اما در تروریسم، انگیزه عملاً والا، فلسفی و ایدئولوژیک است و عمدتاً از انگیزه‌های سیاسی برخوردار است (جی بدی، ۱۳۷۸).

۲. افساد فی الارض

طبق ماده ۲۸۶ ق. مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱: هر کسی به‌طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی و یا خارجی کشور و نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق، تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به‌گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظام عمومی کشور، ناامنی، اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.^۱

۱. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲/۲/۱، ماده ۲۸۶.

۳. بغی

بغی در لغت به معنای طلب خواسته، توأم با تجاوز از حد است. این معنی از بغی، با هر نوع تعدی مانند ظلم، عداوت، تکبر، عدول از حق، بی‌انصافی و مانند آن صدق می‌کند (راغب اصفهانی، بی‌تا، ذیل ماده بغی). در آیات قرآن نیز، بغی به این معانی آمده است (توبه، ۴۸؛ نور، ۳۳؛ شورا، ۴۲ و قصص، ۷۷). از این رو مفسران نیز، بغی را به معنای ظلم و فساد (طبرسی، ۱۴۰۶، ۶۴۰) و طلب سلطه بر مردم بدون حق، معنی کرده‌اند. اما بغی در اصطلاح فقهی، به ویژه فقه شیعه، به افرادی اطلاق می‌گردد که مسلح گشته و به صورت گروهی با انگیزه براندازی دولت اسلامی، علیه حاکم عادل و دولت او شورش کنند (علامه حلی، ۱۳۱۴، ۱۱۱).

بغی در نزد اهل سنت نیز، به معنای شورش علیه امام عادل و یا خروج از فرمان او می‌باشد که توسط گروهی از مخالفان که از قدرت و شوکت لازم برخوردارند صورت می‌گیرد (جزیری، بی‌تا، ۲۱۷/۵).

۳-۱. تفاوت تعریف فقهی بغی با تعریف حقوقی

برخی از حقوق‌دانان، بغی را جرم سیاسی دانسته و در تعریف آن می‌گویند: جرم سیاسی عبارت است از جرمی که به قصد مبارزه علیه تشکیلات و طرز اداره حکومت اسلامی صورت می‌گیرد (علی آبادی، بی‌تا، ۱۰۳/۱).

این تعریف با تعریف فقهی دو تفاوت بارز دارد: اولاً در تعریف فقهی، مذهب یکی از ارکان تحقق جرم سیاسی می‌باشد. از این رو در این تعریف، لازم است هم جرمی که صورت می‌گیرد علیه حاکم اسلامی باشد؛ چراکه شورش علیه حاکم غیراسلامی در تعریف فقهی بغی نمی‌گنجد و از مصادیق جرم سیاسی تلقی نمی‌شود، و هم باید شورش گرانی که علیه حاکم عادل اسلامی دست به شورش زده‌اند، مسلمان بوده و از انگیزه مذهبی برخوردار باشند، چراکه اگر این مجرمان، مرتد و یا کافر باشند، برابر با احکام کفار و احکام رده با آنان رفتار خواهد شد. ثانیاً برخلاف تعریف حقوقی از جرم سیاسی که ممکن است با شورش گروه و یا فرد تحقق پذیرد، در تعریف فقهی، شورش

گروهی لازم است و با شورش و خروج یک فرد، جرمی با عنوان جرم سیاسی تحقق پیدا نمی‌کند (مرعشی، ۱۳۷۶، ۷۲).

۳-۲. تفاوت بغی با محاربه

در تعریف اهل بغی ممکن است این سؤال پیش آید که «آیا بغی همان محاربه است یا خیر؟». در پاسخ باید گفت: این دو، هم در تعریف و ماهیت و هم در حکم مترتب بر آن، تفاوت‌هایی دارند. این تفاوت‌ها عبارتند از:

۱. محاربه ممکن است به صورت فردی و یا جمعی باشد؛ ولی در بغی، شورش به صورت جمعی خواهد بود.

۲. هدف از شرارت در محاربه، ایجاد رعب و وحشت در میان عموم مردم است؛ اما در بغی، شورش علیه حاکم اسلامی بوده و به هدف براندازی حکومت وی صورت می‌گیرد.

۳. در محاربه ممکن است محارب، کافر و یا مسلمان باشد، در حالی که در بغی، شورش‌گران، گروهی از مسلمانان می‌باشند که علیه حاکم عادل و دولت وی دست به قیام مسلحانه زده‌اند.

۴. پس از آن که محارب به اسارت سپاه دولت اسلامی درآید، اگر توبه کند، توبه‌اش پذیرفته نمی‌شود؛ در حالی که اگر باغی از گروه غیر ذی‌فئه باشد، توبه وی پذیرفته می‌شود و از اسارت آزاد می‌گردد.

۵. به لحاظ حکم، در جرم بغی تنها به جهاد تا تسلیم شدن، ترک صحنه نبرد و یا کشته شدن بغات دستور داده شده است و در منابع فقهی، هیچ حد دیگری برای آنان پیش‌بینی نشده است؛ اما در محاربه، چهار نوع کیفر برای محارب منظور شده است که عبارتند از: اعدام محاربان، به صلیب کشیدن، بریدن دست و پا در جهت مخالف و تبعید آنان از زادگاه خود. قرآن کریم این حدود را در آیه زیر بیان فرموده است:

﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ﴾ (مانده، ۳۳):

جزای کسانی که با خدا و پیامبرش می‌جنگند و در زمین فساد می‌کنند، جز این نیست که کشته شوند، یا بر دار آویخته گردند، یا دست و پایشان خلاف جهت یکدیگر بریده شود و یا از آن سرزمین تبعید گردند.

۳-۳. عناصر دخیل در تحقق جرم بغی

در تحقق هر جرمی عناصر و ارکانی لازم است که در صورت تحقق تمامی آنها می‌توان گفت آن جرم به وقوع پیوسته است. جرم بغی نیز از این قاعده مستثنی نیست. از این رو برای آشنایی با این مقوله، در این مجال عناصر جرم بغی را به اختصار ذکر خواهیم کرد.

- مسلمان بودن باغیان

یکی از عناصری که فقها و حقوق‌دانان برای تحقق جرم بغی ذکر نموده‌اند، ضرورت مسلمان بودن بغات است. بنابراین اگر شورش گرانی که علیه حاکم اسلامی دست به شورش می‌زنند، غیر مسلمان باشند، در حکم کفار حربی خواهند بود و در این صورت، احکام خاص محاربه علیه آنان اجرا خواهد شد (جمیلی، ۱۹۷۹، ۱۰۰/۱).

- برخورداری از قدرت کافی

یکی دیگر از ارکان تحقق جرم بغی، برخورداری بغات از قدرت کافی است. بسیاری از فقهای شیعه، برخورداری بغات از عده و عده را برای تحقق چنین جرمی ضروری می‌دانند، چراکه در فرض عدم وجود قدرت برای آنان، جرم یاد شده در زمره جرایم عادی به شمار می‌آید (طوسی، ۱۳۸۷، ۲۶۷/۷؛ ابن ادریس حلی، بی‌تا، ۱۵/۲).

- گروهی بودن شورش

هرچند برخی فقها جرم بغی را با شورش فرد نیز قابل تحقق می‌دانند (علامه حلی، بی‌تا، ۹۸۳/۲؛ عاملی، ۱۴۰۳، ۴۰۷/۲) و در تاریخ نیز، به جریان ترور امام علی علیه السلام توسط ابن ملجم استدلال کرده‌اند؛ اما بسیاری از فقهای شیعه و سنی، گروهی بودن شورش را یکی از شرایط و عناصر دخیل در تحقق جرم بغی می‌دانند (طوسی، ۱۳۸۷، ۲۶۷/۷؛ حلی، بی‌تا، ۱۵۴/۱).

- مشروعیت نظام و عدالت حاکم

از دیگر عناصر لازم برای تحقق جرم بغی، مشروعیت نظام حاکم و عدالت حاکم اسلامی است؛ چراکه اگر نظام موجود، نظامی نامشروع و یا حاکم جامعه، فردی ستم‌پیشه باشد، نه تنها جرم بغی صادق نیست، بلکه باید آحاد جامعه بر خروج علیه او تشویق شوند و حرکت مردمی علیه او تقویت گردد (طوسی، ۱۴۱۶، ۳۳۵/۵؛ جمیلی، ۱۹۷۹، ۱۵۴).

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، بغی تعریف نشده بود و قانونگذار در ماده ۱۸۶ این قانون، بغی را محاربه تلقی نموده و مجازات محارب را برای آن مقرر کرده بود. لکن این امر با معیارها و موازین فقهی ناسازگار بود؛ زیرا که احکام مقرر برای باغی و نیز ماهیت آن، بسیار متفاوت از محاربه است. به همین دلیل، قانونگذار در ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، بغی را جرم مستقلی در نظر گرفته و در تعریف آن چنین مقرر کرده است: «گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کنند، باغی محسوب و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند». براساس مقررات این ماده، بغی عبارت است از: «قیام مسلحانه گروه [یا جمعیت] علیه اساس نظام جمهوری اسلامی ایران»، در حالی که محاربه عبارت است از: «سلب امنیت جانی، مالی و یا ناموسی مردم و یا ایجاد رعب و وحشت در آنها با استفاده از سلاح» (نمایان و عباسی، ۱۳۹۳، ۸).

۳-۴. شرایط مبارزه با بغات

برای مبارزه علیه بغات، شرایطی چند وجود دارد که اگر تمامی آنها فراهم آید، جهاد علیه آنان جایز است و در غیر این صورت، جهاد جایز نمی‌باشد. این شرایط عبارتند از:

۱. بغات از حاکم اسلامی جدا گشته و از پیروی خودداری نمایند؛
۲. بغات به حدی، از قدرت و شوکت برخوردار باشند که حاکم اسلامی بدون استفاده از نیروی کافی نتواند آنان را سرکوب نماید؛ زیرا اگر حاکم بتواند از راه دیگری شرارت آنان را دفع کند، حق ندارد از راه نظامی به سرکوبی آنان پردازد؛

۳. بغات در تشخیص خود نسبت به حقانیت حکومت اسلامی دچار نوعی اشتباه شده باشند و بی‌هیچ عذری از فرمان حاکم اسلامی خارج گردیده باشند؛
۴. از راه گفتگو و اقامه حجت، ارشاد آنان برای دولت اسلامی امکان‌پذیر نباشد.
۵. از راه ایجاد اختلاف و فتنه میان بغات، دفع شرارت آنها ممکن نباشد (طوسی، ۱۳۸۷، ۲۶۷/۷؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ۳۶۸).

ط. محاربه و تروریسم در حقوق کیفری ایران

به عقیده برخی، اگر تروریسم را به ایجاد رعب و وحشت معنی کنیم، می‌توان شبیه این جرم در حقوق ایران که متخذ از فقه اسلامی است را جرم محاربه (موضوع ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی) دانست که به معنای «تجرید السلاح لإخافة الناس» بوده و ایجاد ترس، رکن اساسی ایجاد آن است. به عبارتی، در این معنا «محاربه عبارت است از برهنه نمودن سلاح یا مجهز و آماده کردن آن، به منظور ترساندن مردم و ایجاد رعب و وحشت و سلب آسایش و امنیت عمومی، یا به قصد ایجاد فساد در زمین از طریق غارت مال با قهر و غلبه، اعم از اینکه در خشکی باشد یا در آب و یا هوا، در شب باشد یا روز، فاعل آن مرد باشد یا زن، در شهر باشد یا در روستا، از اهل ریه باشد یا نه» و این تعریف با تعریف تروریسم منطبق است.

با این حال، برای تطبیق این دو عنوان مجرمانه با یکدیگر بهتر آن است که نخست محاربه به صورت مختصر مورد بررسی قرار گیرد. گرچه این مفهوم، پیشینه فقهی بسیار غنی‌ای دارد، با این حال ملاک ما در این بررسی، ماده قانونی مربوط به آن در قانون مجازات اسلامی است که با تلاش برای ارائه یک تعریف کلی از محاربه، ملاک اصلی تعریف این عنوان مجرمانه محسوب می‌شود. به موجب تعریف مندرج در این ماده، محارب کسی است که «برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد. بررسی محاربه و تروریسم به همراه تحولات و رکن قانونی آن‌ها، زمینه لازم را جهت مقایسه این دو عنوان مجرمانه فراهم می‌سازد، مقایسه‌ای که با مشخص نمودن وجوه افتراق و اشتراک این دو عنوان، می‌تواند روش اتخاذ شده این دو کشور را نیز نسبت به مقابله با اعمالی که ایجاد رعب و وحشت عمومی را هدف اصلی

خود قرار داده‌اند، مورد مقایسه و ارزیابی قرار دهد. این دو عنوان مجرمانه در سطح سیاست‌های کیفری حاکم بر آن‌ها، نشان می‌دهد که هر دو عنوان مجرمانه مشمول سیاست بسط و گسترش مفهومی قرار گرفته‌اند و علاوه بر این از آنجا که در بسیاری از متون قانونی، در جرائم علیه امنیت، ابهامات متعددی وجود دارد، زمینه را برای بروز اختلاف نظرها فراهم نموده و ضمناً، زمینه صدور آراء متفاوت نسبت به موضوعات یکسان در رویه قضایی را به وجود می‌آورد که می‌تواند قضاوت دادگاه‌ها را در تشخیص نظر صحیح دچار مشکل نماید. سهم عمده‌ای از گسترش مفهومی عنوان محاربه و افساد فی الارض در حقوق کیفری ایران، به جهت ابهامات متعدد فقهی و حقوقی است که در این زمینه وجود دارد. تا زمانی که ابهامات مهم و اصلی که در محدوده شمولی مفاهیم مجرمانه تأثیرگذار می‌باشد، مرتفع نشوند، این امکان وجود دارد که در آینده نیز عنوان محاربه شامل جرائم دیگری نیز گردد (روزنامه ایران، شماره ۵۰۰۵ به تاریخ ۹۰/۱۱/۱۸، ص ۱۶).

نتیجه‌گیری

ارائه نظریه‌ای جهان شمول و فراگیر برای تبیین تروریسم، عملی دشوار است که تا کنون انجام نشده است. پدیده تروریسم، گاهی در سطح بین‌المللی مطرح است و گاهی در سطح داخلی. بر این اساس، تبیین تروریسم نیز متفاوت خواهد بود. تعاریف و برداشت‌ها از تروریسم نیز بسیار متغیر است و دامنه آن از قتل‌های سیاسی دولت‌ها تا ترورهای سازمان یافته سازمان‌های نظامی سیاسی در حال نوسان است؛ لذا به سختی می‌توان نظریه‌ای ارائه کرد که بتواند به درستی همه آنها را تحت پوشش قرار دهد. پدیده تروریسم، از جمله اموری است که امروزه به شدت حاکمیت کشورها، خصوصاً کشورهای غربی و اروپایی را به چالش فراخوانده است. این پدیده در پی نابودی یا ایجاد حداکثر خسارت به نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظم عمومی کشورهاست.

تاکنون این امکان وجود نداشته که اجتماعی بر سر تعریف مفاهیم تروریسم، تروریست و سازمان‌های تروریستی از خلال کنوانسیون‌های بین‌المللی به وجود آید.

حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر باعث گردید تا اقدامات ضد تروریستی اتحادیه، شدت و سرعت بیشتری به خود بگیرد در اتحادیه اروپا، وضعیت‌های مختلفی در ارتباط با قانون‌های مربوط به تروریسم و گروه‌های تروریستی در کشورهای عضو وجود دارد، برخی، مقررات خاصی در مورد تروریسم ندارند. در این کشورها تروریسم به عنوان جرمی عمومی انگاشته می‌شود. در برخی دیگر از کشورها، قوانین و ابزارهای قانونی خاص در ارتباط با مبارزه با تروریسم وجود دارد، به طوری که کلمه «تروریست» یا «تروریسم» در قوانین، بیان شده و برخی از جرائم تروریستی نیز تعریف شده‌اند. به هر طریق، در تحلیل پدیده تروریسم در ایران نمی‌توان تنها یک مؤلفه را برجسته کرد و عوامل دیگر را نادیده گرفت. تروریسم در ایران را باید به صورت چند لایه و طی چند مرحله تحلیل کرد. تروریسم پدیده‌ای است که در دوران جدید و هم‌زمان با شکل‌گیری معنای مدرن از دولت شکل گرفته است.

حال با پژوهش و مطالعاتی که در زمینه موازین جرم تروریسم در اسناد بین‌المللی و ایران انجام شد، به نتایجی دست یافته شد که در زیر به رشته تحریر درآورده می‌شود:

اقدامات جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با تروریسم، تاکنون منفعلانه بوده و قانون‌گذار اقدام به جرم‌انگاری این پدیده مجرمانه نکرده است. در حقوق کیفری ایران، عنوان مجرمانه مستقلی برای تروریسم پیش‌بینی نشده است که این خود، یکی از مشکلات بزرگی است که جمهوری اسلامی ایران با تروریسم دارد و جمهوری اسلامی باید قانون جامعی در مورد این پدیده شوم، که بیشتر به نسل‌کشی انسان‌ها می‌انجامد را تصویب کند. شاید یکی از دلایلی که ایران جزء اولین و بزرگترین قربانیان تروریسم است، نبود قانون جامعی در مورد تروریسم باشد. اما یکی از مهمترین جرایم علیه امنیت جامعه، که با واکنش کیفری شدیدی در دین اسلام همراه است، جرم محاربه و افساد فی الارض است. ویژگی‌های خاص محاربه سبب شده است تا در تحلیل سیاست کیفری در زمینه تروریسم، به تشریح مباحثی متفاوت با دیگر جرائم حدی نیز پرداخته شود. این وضعیت، موجب می‌شود تا سیاست‌های کیفری بر جرائم حق الله، درباره این بزه مهم جاری نگردد. همچنین، نسبت دادن محاربه به تروریسم و برداشت‌های متفاوت از این قانون، خود نیز از مشکلاتی است که باید بازننگری شود و با

برداشت‌های متفاوت در شناسایی تروریسم، با استفاده از این قانون باعث شده در بعضی موارد، تروریسم را تشخیص نداده و یا پا را فراتر گذاشته و دچار بی‌عدالتی شویم و همچنین، قربانی این پدیده باشیم.

در نظام حقوقی ایران، جرمی تحت عنوان تروریسم وجود ندارد و قانونگذار در موارد متعدد، به صورت پراکنده اقدام به جرم‌انگاری برخی مصادیق اعمال تروریستی نموده است. عنوان فقهی محاربه و فساد فی الارض در نظام حقوقی ایران با تعریف عام از تروریسم بسیار نزدیک است. از میان سیزده سند بین‌المللی در زمینه تروریسم، جمهوری اسلامی ایران تاکنون به ۶ سند ملحق شده است. هرچند که برخی وجود عنوان محاربه و فساد فی الارض را در نظام کشور کافی می‌دانند، اما در مقابل این عقیده وجود دارد که با توجه به گستردگی جرایم تروریستی و ابعاد گوناگون و ظهور اشکال نوین این دسته از جرایم، ضرورت تدوین قانون جامع در امر مبارزه با این پدیده جهانی و همگامی با کشورهای جهان، وجود دارد.

در ایران، از این‌روست که جرم باید بالفعل انجام شود. سخت‌گیری‌های متعدد و متفاوت قانون‌گذار در زمینه اثبات سایر جرائم حدی، اغلب در مورد بزه محاربه قابل اعمال نبوده و بزه مهم محاربه براساس تصریح قانون مجازات اسلامی، تنها با یک بار اقرار اثبات می‌شود و انکار بعد از آن نیز، در این زمینه بی‌تأثیر است. به‌طور کلی، سیاست کیفری اسلام در این زمینه مبتنی بر این تحلیل است که در جرائمی که علیه امنیت عمومی مردم می‌باشد، به دلیل اهمیت ویژه آن در مرحله اثبات جرم، سخت‌گیری نمی‌شود و در مرحله تعیین مجازات‌های کیفری، تشدید مجازات‌ها مورد نظر بوده است.

کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم.
۲. آقابخشی، علی و افشاری‌راد، مینو، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، انتشارات مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۶.
۳. آقایی خواجه پاشا، داود، تحلیلی بر راهکارهای سیاسی - حقوقی مقابله با تروریسم بین‌الملل، فصلنامه سیاست، دوره ۴۳، ش ۱، ۱۳۹۲.
۴. ابن ادریس حلی، ابو جعفر محمد بن منصور (بی تا)، السرائر، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ج ۲.

۵. اسدی، رضا، تروریسم، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی، دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷.
۶. اسماعیلی، حمیدرضا، بررسی تئوریک زمینه‌ها و ریشه‌های تروریسم در ایران، منتشرشده در وب سایت هایلیان، <http://www.habilian.ir>. ۱۳۹۲.
۷. اسماعیلی، مهدی، پیشگیری از تروریسم در ایران، مطالعات پیشگیری از جرم، ش ۱۴، صص. ۱۵۸-۱۳۱، ۱۳۸۹.
۸. افخم، راضیه، تروریسم در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
۹. اقبالی، سعید، مطالعه تطبیقی پیشگیری از تروریسم در ایران و اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰.
۱۰. پورسعید، فرزاد، تروریسم نوین و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات راهبردی، مطالعات راهبردی، ش ۳۴، ۱۳۸۵.
۱۱. توکلی، مسعود، مطالعه عملکرد تروریسم در اروپا با تأکید بر دو کشور اروپایی اسپانیا و ایرلند، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۸.
۱۲. جزایری، عبد الرحمن (بی تا)، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت، دارالفکر، چاپ اول.
۱۳. جمیلی، خالد رشید، احکام البغاة و المحاربین فی الشریعة و القانون، بغداد، دارالحریه، ۱۹۷۹.
۱۴. جی بدی، توماس، تعریف تروریسم بین‌المللی: نگرش علمی، ترجمه سید رضا میرطاهر، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۵ و ۶، ۱۳۷۸.
۱۵. حکیمی‌ها، سعید و حبیب‌زاده، محمدجعفر، ضرورت جرم‌انگاری تروریسم در حقوق کیفری ایران، مدرس علوم انسانی، ش ۵۱، ۱۳۸۶.
۱۶. روزنامه ایران، شماره ۵۰۰۵ به تاریخ ۹۰/۱۱/۱۸.
۱۷. زرنشان، شهرام، تمهیدات بین‌المللی برای مقابله با تروریسم با تکیه بر قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ شورای امنیت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۱۸. زمانی، قاسم، سازمان ملل متحد و اقدامات حقوقی جامع برای مبارزه با تروریسم بین‌المللی، فصلنامه الهیات و حقوق، ش ۲، ۱۳۸۹.
۱۹. ساعی، احمد و معصومی، مجید، استراتژی تروریسم، امنیت دولت و امنیت فردی، دانشنامه، دوره ۴، ش ۷۸، ۱۳۸۹.
۲۰. شریف‌آبادی‌ترابی، شیما، بزه‌دیدگان جرایم تروریستی در اسناد ملل متحد در شورای اروپا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، مرکز تهران، ۱۳۸۹.
۲۱. صادقی حقیقی، دیدخت، مروری اجمالی بر اقدامات مجمع عمومی و شورای امنیت در مقابله با تروریسم بین‌المللی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۸۳ و ۱۸۴، ۱۳۸۱.
۲۲. صارمی فر، صادق، بررسی جرم‌شناختی تروریست، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، ۱۳۹۲.
۲۳. صفاتاج، مجید، تروریسم صهیونیستی، تهران، قبله اول، ۱۳۸۳.
۲۴. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، دار المعرفه، چاپ اول، جلد‌های ۳ و ۴، ۱۴۰۶.

۲۵. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، نشر مرتضوی، ج ۲ و ۷، ۱۳۸۷.
۲۶. _____، الخلاف، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۶.
۲۷. علامه حلی، جمال الدین حسن بن یوسف، تبصرة المتعلمین فی احکام الدین، بی جا، ۱۳۱۴.
۲۸. غفرانی یوسف آباد، ابراهیم، تروریسم بین المللی و حقوق جزای ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، مرکز تحصیلات تکمیلی دانشکده حقوق، ۱۳۸۱.
۲۹. فیرحی، داود و ظهیری، صمد، تروریسم: تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم، فصلنامه سیاست، دوره ۸، ش ۳، ۱۳۸۷.
۳۰. کوشکی، محمد صادق، انحراف سازمان از مبانی آن نشأت می‌گرفت: شهید هاشمی‌نژاد، تروریسم و منافقین، شاهد یاران، ش ۳۵، ۱۳۸۷.
۳۱. مرعشی، سید محمد حسن، مبانی فقهی محکومیت تروریسم در اسلام، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده به همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل، تهران: انتشارات مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۸۰.
۳۲. _____، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
۳۳. مصفا، نسربین و طاهرخانی، ستاره، مجمع عمومی سازمان ملل متحد و مقابله با تروریسم، سامانه نشر مجلات علمی دانشگاه تهران، ش ۳، دوره ۴۱، ۱۳۹۰.
۳۴. معصومی، مجید، تروریسم، آزادی‌های اجتماعی و امنیت ملی (جمهوری اسلامی ایران)، دانشنامه، دوره ۴، ش ۸۰، ۱۳۹۰.
۳۵. _____، تروریسم استراتژیک: توسعه سیاسی، امنیت ملی، تهران، قشایی، ۱۳۹۲.
۳۶. نمایان، پیمان و عباسی، صمد، مصادیق و معیارهای تروریسم در حقوق جنایی اسلامی، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس - ش ۴۷/۴۷.
37. Kaufmann, w. the Requirements of Deterrence, New jersey: Princeton University, 1945.
38. Neumann, Peter R. The Strategy of Terrorism: How it Works, and Why it Fails (Contemporary Terrorism Studies), Routledge, 2007.
39. Noam Chomsky interviewed by John Bolender, On Terrorism, "Rules and Representations," The Behavioral and Brain Sciences, 1-15, 2003.
40. Rosalyn Higgins and M. Flory, Terrorism and International Law, London and New York, Routledge, 1999.
41. Ruggiero, Vincenzo, Understanding Political Violence: A Criminological Analysis, Maidenhead (England), Open University Press, 2006.
42. http://www.un.org/docs/sc/committees/1373_94/10/10.